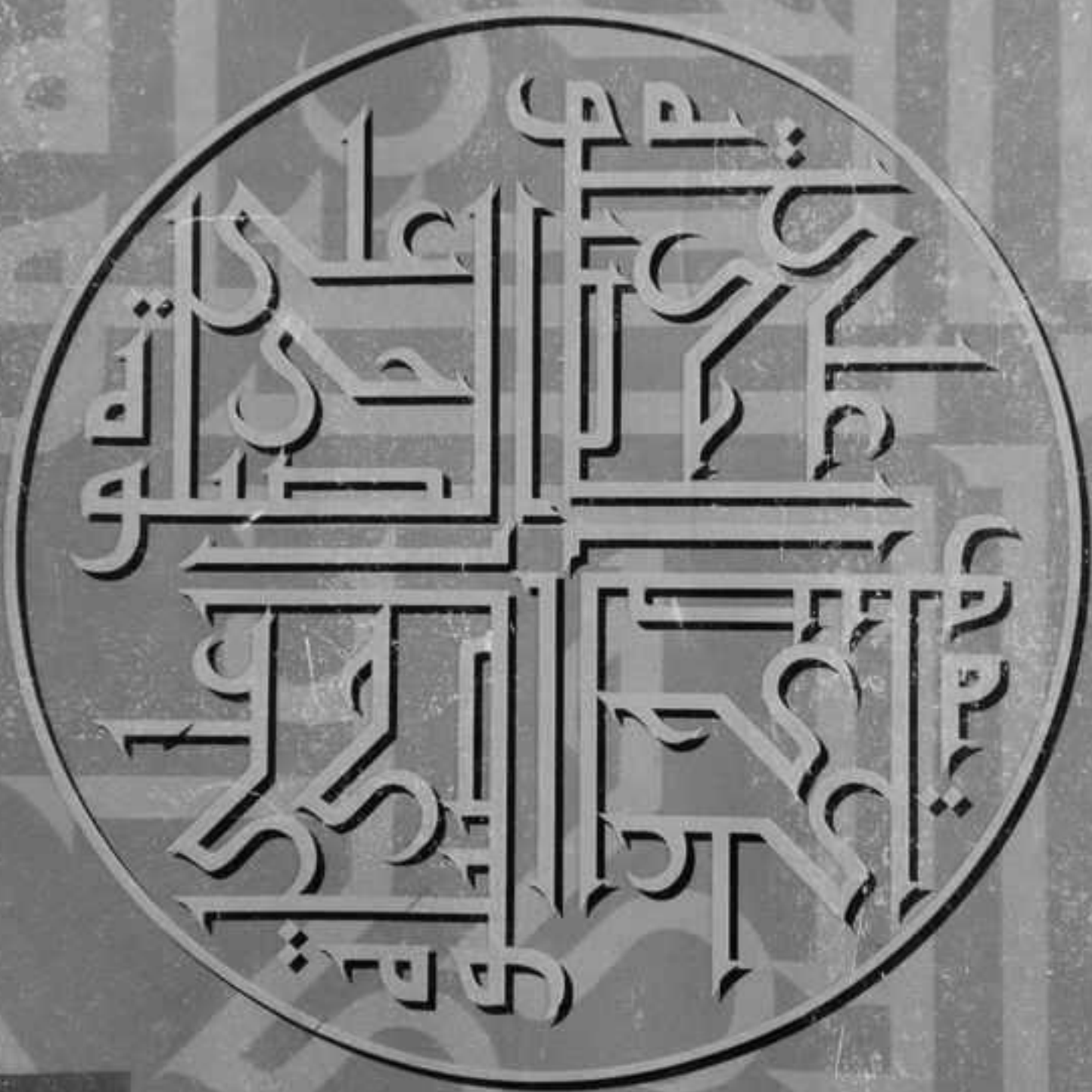


# نہاز شناسی

جلد دوم



حسن راشدی

راشدی، حسن، ۱۳۲۶ -  
نماز شناسی / تالیف و تحقیق حسن راشدی -  
تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۸ -  
ج ۲

۷۰۰۰ ریال (ج. ۱): ISBN 964-6268-65-x  
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا .  
کتابنامه .

ج ۱ و ۲ (چاپ دوم: ۱۳۸۰).  
۱۲۰۰۰ ریال (ج. ۲): ISBN 964-6268-81-1  
۱. نماز . الف. ستاد اقامه نماز . ب. عنوان .

۲۹۷/۳۵۳

ن ۲۱۳ ر / ۱۸۶ BP

۶۶۹۲/۷۹-۷۸ م

کتابخانه ملی ایران  
محل نگهداری:



ستاد اقامه نماز

نام کتاب: نماز شناسی جلد دوم

نویسنده: حسن راشدی

ناشر: ستاد اقامه نماز

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: ششم - زمستان ۸۰

چاپ و صحافی: الهادی قم

قیمت: ۱۲۰۰۰ ریال

مراکز پخش:

۱- تهران - میدان فلسطین انتشارات ستاد اقامه نماز

تلفن ۸۹۰۰۰۵۹

۲- دفاتر ستادهای اقامه نماز سراسر کشور

شابک: ۱-۸۱-۶۲۶۸-۹۶۴

ISBN 964-6268-81-1

## فهرست اجمالی گنجانیده‌های نماز‌شناسی ۲

### (حکمت نماز)

- ۱ ..... خطبه کتاب  
۹ ..... مقدمه
- بخش اول: آثار اقامه نماز
- ۲۵ ..... بهره نخست: آثار بهداشتی و درمانی  
۴۳ ..... بهره دوم: آثار روحی و روانی  
۱۱۳ ..... بهره سوم: آثار اخلاقی و تربیتی  
۱۸۱ ..... بهره چهارم: آثار فکری، اعتقادی، و عرفانی  
۲۰۵ ..... بهره پنجم: آثار سیاسی و اجتماعی
- گفتار نخست: آثار اجتماعی ..... ۲۰۵  
گفتار دوم: آثار سیاسی ..... ۲۲۱  
گفتار سوم: حکمت نماز جماعت ..... ۲۴۲  
گفتار چهارم: حکمت نمازهای جمعه و عیدین ..... ۲۶۵  
گفتار پنجم: جامعه در صراط صلات ..... ۳۰۷  
گفتار ششم: نظام سیاسی مبتنی بر نماز ..... ۳۶۷  
بهره ششم: تحولات علمی، هنری، و صنعتی ..... ۴۲۳  
بهره هفتم: تحولات طبیعی و تاریخی ..... ۴۳۹  
بهره هشتم: آثار آنجهانی ..... ۴۵۱
- بخش دوم: آثار اضاعه نماز
- ۴۶۳ ..... گفتار نخست: آثار استخفاف به نماز ..... ۴۷۱  
۴۸۱ ..... گفتار دوم: آثار اعراض از نماز ..... ۵۱۷  
انجامش کراسه دوم ..... ۵۱۷  
فهرستها ..... ۵۲۵

بخش دوم:

آثار

اضاعه نماز

## آثار اضاعه نماز:

### تعریف اقامه و اضاعه نماز

اضاعه نماز در مقابل اقامه نماز است.

خدای، تعالی، فرمود:

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ...<sup>۱</sup>

و فرمود:

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ...<sup>۲</sup>

اقامه نماز این است که آن را بپا داریم؛ یعنی آن را نیرومند و پراثر سازیم و به عنوان پرچم اسلام برافرازیم و رواج دهیم.

اضاعه نماز؛ این است که آن را تپاه کنیم؛ یعنی آن را از پا بیندازیم. و کم اثر یا بی خاصیت و بی اثر سازیم، و آن را که بیریق ایمان است به زیر آوریم و در جامعه متروک و منزوی کنیم.

اقامه نماز این است که آن را با آگاهی از شرایط و حدود آن و رعایت آنها، و از روی توجه و اخلاص و با حال حضور و نشاط و علاقه مندی بجای آوریم.

اضاعه نماز این است که آن را بدون آگاهی از شرایط و احکام نماز و رعایت آنها، و بدون خلوص و توجه و حضور قلب و تعلق خاطر به خدا بگزاریم. یا واگذاریم.

اقامه نماز، این است که آن را بجای آوریم؛ یعنی نماز حقیقی و پرمحتوی و با طمأنینه بخوانیم و حق آن را ادا کنیم.

اقامه نماز، این است که آن را مهم بشماریم، وقار و حرمت آن را نگه داریم و



آن را در اول وقت بگذاریم.

اضاعه نماز این است که آن را کم ارزش تر از کارهای دیگر بحساب آوریم، در حق آن تهاون و سستی روا داریم، و آن را از اول وقت به تأخیر بیندازیم. اقامه نماز این است که بر آن مراقبت و مواظبت کنیم و آن را تا فرارسیدن مرگ بجای آوریم.

اضاعه نماز این است که آن را گاهی بجای آوریم و گاهی رها سازیم یا برای همیشه ترک کنیم.

خلاصه آن که اقامه نماز و اضاعه آن مفاهیم گسترده‌ای هستند. به طور کلی هر کاری که به اجرای صحیح، و حرمت و اشاعه نماز کمک کند، و آن را به جایگاه حقیقی آن برساند و پرائر سازد، اقامه نماز است. و هر کاری که نماز را از جایگاه حقیقی و حقیقت آن دور سازد و بی محتوا یا کم اثر و بی اثر کند یا به خفت، ترک، انکار، و انزوای آن بینجامد، اضاعه نماز است.

## نکوهش تضييع نماز

خدای، تعالی، کسانی را که نماز را به نحوی از انحا ضایع می‌کنند، مورد نکوهش و سرزنش قرار داده است. تضييع کنندگان نماز را با توجه به آیات قرآن می‌توان به چند گروه تقسیم کرد:

## ضایع کنندگان نماز

۱- نماز گزاران بی نشاط

خدای، تبارک و تعالی، فرمود:

وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالِيٍّ ۱

و چون منافقان به نماز ایستند، بی حال و بی نشاط برخیزند.

۲- نماز کنندگان به ریا: خدای، جل و علی، فرمود:

...يُرَاؤُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ۲

\* اضاعه نماز  
غایب خواندن  
واقعا ضرارا  
بکوشش  
آن را  
بکار آوری  
نماز  
در همه حال آن  
برای  
آن را در اول  
وقت  
آن را  
از نظر  
بجای آوردن

منافقان، برای رؤیت مردم نماز می خوانند و جز اندکی به یاد خدا نمی باشند.

۳- نمازگزارندگان به وقت بیکاری، برخی نماز خود را هنگامی که کاری ندارند می خوانند و هرگاه سرگرمی و یا کار سودآوری برایشان باشد، نماز را به آن می فروشند. پیامبر اکرم ﷺ مشغول خواندن خطبه های نماز جمعه بودند، گروهی برای فروش اجناس خود، شروع به طبل زدن کردند، اکثریت مردمی که برای نماز جمعه حاضر شده بودند، نماز جمعه و سخن پیغمبر را رها کردند و به جایگاه عرضه کالاها روان و دوان شدند و تنها نفرات اندکی برجای ماندند و به خطبه های پیامبر ﷺ گوش فرا دادند، این آیه درباره رها کنندگان نماز، نازل شد:

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكَوكَ قَائِمًا<sup>۱</sup>

و هنگامی که خرید و فروش یا بازیچه ای را دیدند بسوی آن پراکنده گشتند و تو را در حالی که به ایراد خطبه های جمعه ایستاده بودی رها کردند.

کاری که آنان کردند دقیقاً خلاف دستور قرآن است. قرآن می فرماید:

إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ<sup>۲</sup>

هرگاه برای نماز جمعه، اذان گویند بسوی نماز و یاد خدا بشتابید و خرید و فروش را رها سازید.

نماز، ارزنده ترین کار است و هر کس باید ارزشمندترین اوقات خود را به آن اختصاص دهیم نه این که هرگاه همه کارهایش تمام شود، به آن پردازد. امام علی ﷺ در نامه ای که به مالک اشتر نوشتند، به وی فرمودند:

وَأَمْضِ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ وَاجْعَلْ لِنَفْسِكَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ أَفْضَلَ تِلْكَ الْمَوَاقِيتِ وَأَجْزَلَ تِلْكَ الْأَقْسَامِ وَإِنْ كَانَتْ كُلُّهَا لِلَّهِ إِذَا صَلَّحَتْ فِيهَا النَّيَّةُ وَسَلِمَتْ مِنْهَا الرَّعِيَّةُ<sup>۳</sup>

و کار هر روز را در همان روز بران که هر روز را کاری است. مخصوص به آن و در

۱- الجمعة ۸/

۲- الجمعة ۱۰/

۳- نهج البلاغه، نامه ۵۳، بند ۶۵ (ترجمه نگارنده)

آنچه میان تو و معبود یگانه است (انجام فرایض، ارتباط با خدا و نیایش به درگاه او)، با فضیلت‌ترین اوقات شبانه‌روز و ارزشمندترین بخشهای آن را برای آرامش نفس و تکامل روح خود بگذار، هر چند اگر در آن، نیت درست و شایسته شود و اجتماعی که تو چوپان آن هستی از صرف وقت سلامت یابد، همه اوقات برای خداست.

۴- کاهل نمازان: خدای، تعالی، فرمود:

قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ<sup>۱</sup>

وای به حال نمازگزارانی که نمازشان را از یاد می‌برند:

گفته‌اند: در این آیه، «سهو از نماز» که غیر عمدی است، مطرح نیست، «سهو در نماز»؛ یعنی سهوی که از روی عمد و تقصیر است، مطرح شده است و مراد؛ کسانی هستند که نماز را بدون عذر موجه، از وقت فضیلتش به تأخیر می‌اندازند، به شرایط و احکامش اهمیتی نمی‌دهند، برای انجام و ترک آن ثواب و عقابی نمی‌شناسند، گاهی آن را می‌خوانند و گاهی نمی‌خوانند و خلاصه، خود را در برابر آن متعهد نمی‌دانند و به آن استخفاف روا می‌دارند. برآستی اگر ساهی نماز، مستوجب «ویل» است، تارک آن، مستحق چه کیفری است؟!؛

۵- اعراض کنندگان از نماز: نماز، ذکر خداست چنان که خدای، تعالی، فرمود:

إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ... فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ...<sup>۲</sup>

هنگامی که ندای نماز در دهند... بسوی یاد خدا بشتابید...

آنان که به جای سعی به سوی نماز از آن اعراض می‌کنند، مورد نکوهش پروردگار می‌باشند و به تنگی معیشت مجازات می‌شوند. خدای، تعالی، فرمود:

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا...<sup>۲</sup>

چه آنان که به طور موقت و مقطعی پشت به نماز می‌کنند و چه آنان که برای همیشه ترک نماز می‌گویند، هر دو با اختلاف مراتب، مشمول این مجازات و نکوهش‌اند.



۶- انکارکنندگان نماز: قرآن، در سوره قیامت، نحوه جان دادن ناباوران بی نماز را بیان و آنان را به سختی نکوهش می کند. می فرماید:

... وَ وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ بِآسِرَةٍ تَتَّبَعْنَ أَنْ يُفَعَّلَ بِهَا فَاقِرَةٌ، كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ وَ قِيلَ مَنْ رَاقٍ وَ ظَنَّ أَنْهُ الْفِرَاقُ وَ التَّتَمَّتْ السَّاقُ بِالسَّاقِ، إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ، فَلَا صَدَقَ وَ لَا صَلَّى وَ لَكِنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّى<sup>۱</sup>

... چهره هایی هستند که در آن روز درهم کشیده اند، پنداری که آسیب درهم شکننده ای به آنان می رسد. نه، نه وقتی که روح، به چنبر گردن رسد و گفته شود، کیست دعاکننده ای که شفا بخشد؟ و محتضر به یقین داند که وقت جدایی روح از کالبد است و پاهایش به پشت هم پیچد، تو نیز بدان که چنان روزی، روز رهسپاریت بسوی پروردگار توست. (چگونه بر خدای خویش وارد می شود؟) حال آن که نه مبدأ و معاد را قبول کرد، نه برای خدایش نماز گزارد، لیکن دروغ شمرد و روی گردان گشت.

۷- ریشخندکنندگان نماز: هر گاه مسلمانان، ندای نماز را بلند می کردند، گروهی از کفار و مشرکان، آن را به ریشخند می گرفتند. خدای، تعالی، با تذکر دادن این موضوع، آنان را سرزنش کرد و فرمود:

إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا<sup>۲</sup>

هر گاه ندای نماز را بلند می کنید، آن را مسخره می کنند.

در قرآن مجید، ریشخند کنندگان، نادان، معرفی شده اند. به موسی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) گفتند:

... قَالُوا اتَّخَذْنَا هُزُوًا قَالِ اعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ.<sup>۳</sup>

آیا ما را به سخریه می گیری؟ گفت: از این که جزء جاهلان باشم به خدا پناه می برم. بنابراین کسانی که نماز را مورد استهزا قرار دهند، نادان ترین مردمند.

۸- بازدارندگان از نماز: ابوجهل، تصمیم گرفته بود، وقتی پیامبر اکرم (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) مشغول سجده باشد، بر آن حضرت ضربه ای بزند، هنگامی که آن حضرت در حال

سجده بود، ابو جهل بسویش رفت، لیکن از کار شیطانی خود، منصرف گردید. چون از سبب انصراف وی پرسیدند، گفت: خندقی از آتش را پیش روی خود بردم، خدای، تعالی، درباره اش فرمود:

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى عَبْدًا إِذَا صَلَّى<sup>۱</sup>

آیا انسانی را که به این حد شقی و بدسرشت باشد، مشاهده کرده‌ای که هر گاه بنده‌ای نماز بخواند او را از نمازش باز دارد.

## اقسام تضييع نماز

با توجه به گروه‌های مورد سرزنش، می‌توان تضييع نماز را به سه نوع تقسیم کرد:

۱- تهاون در نماز یا استخفاف به آن

۲- اعراض از نماز یا ترک آن

۳- معارضه با نماز یا انکار نماز و دشمنی با آن

که هر یک درجات و مراتبی دارند.

گروه‌های اول، دوم، سوم، و چهارم؛ اهل تهاون در نماز و استخفاف به آن هستند. گروه پنجم؛ اعراض‌کنندگان از نماز و تارکان آن هستند؛ اعم از آنان که گاه‌گاهی نماز نمی‌خوانند و آنان که هیچگاه نماز نمی‌خوانند. گروه‌های ششم، هفتم، و هشتم، منکران نماز و دشمنان آن هستند که ما انکار و عنادشان را معارضه با نماز نامیدیم.

ما را با کسانی که هیچ اعتقادی به خدا و قیامت و حسابرسی اعمال ندارند و حتی در بی معارضه و دشمنی با نماز هستند، کاری نیست لیکن در این کتاب برای هر یک از سبک شمارندگان نماز و اعراض‌کنندگان از آن گفتاری است. خدا کند که هیچ مسلمانی ضایع‌کننده نماز نباشد.

گفتار نخست:

استخفاف به نماز

## استخفاف به نماز:

### منع از سستی در نماز

امیر مؤمنان، علی (علیه السلام) فرمودند:

مَنْ لَمْ يَأْخُذْ أَهْبَةَ الصَّلَاةِ قَبْلَ وَقْتِهَا فَمَا وَقَرَّهَا.<sup>۱</sup>

آن که نماز و برگ سفر روحانی نماز را پیش از رسیدن هنگامش آماده نساخت، بزرگش نشمرد.

و از همان بزرگوار روایت شده است که فرمودند:

لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ، عَزَّ وَجَلَّ، مِنَ الصَّلَاةِ فَلَا يَشْغَلَنَّكُمْ، عَنْ أَوْقَاتِهَا شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ذَمَّ أَقْوَاماً فَقَالَ: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ؛ يَعْنِي إِنَّهُمْ غَافِلُونَ اسْتَهَانُوا بِأَوْقَاتِهَا.»<sup>۲</sup>

هیچ کاری نزد خدای، عز و جل، دوست داشتنی تر از نماز نیست پس چیزی از امور دنیا شما را از رعایت اوقات آن باز ندارد زیرا که خدای، عز و جل، گروهها از مردم را نکوهیده و فرموده است: «... همانان که کاهل نمازند و در بجای آوردن نماز خود بی توجه اند.»؛ آنچه خدای، تعالی، از این سخن، اراده فرموده این است که آنان غفلت زدگانی هستند که اوقات نماز را سبک می شمردند و رعایت آن را مهم نمی دانند.

و از امام، علی بن موسی الرضا (علیه السلام) روایت شده است که فرمود:

حَافِظُوا عَلَيَّ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ فَإِنَّ الْعَبْدَ لَا يَأْمَنُ الْحَوَادِثَ وَ مَنْ دَخَلَ عَلَيْهِ وَقْتُ فَرِيضَتَيْنِ فَقَصَرَ عَنْهَا عَمْدًا مُتَعَمِّدًا فَهُوَ خَاطِئٌ مِنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:

«وَيَلُّ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»؛ يَقُولُ عَنْ وَقْتِهِمْ يَتَعَاظِلُونَ.<sup>۱</sup>

نگاهبان اوقات پنج نماز باشید و آن را از وقت ویژه اش به واپس میندازید زیرا بنده از پیش آمده های ناگوار در امان نیست (و ممکن است توفیق نیابد که آن را در فراخی وقت بگذارد و ادای دین کند) و کسی که وقت فریضه ای بر او درآید و در اجرای آن، آگاهانه و از روی قصد، کوتاهی کند، پس او از هشدار خدای، تعالی، که فرمود: «وای بر نمازگزارانی که در نماز خویش غافلند»، به هوش نیامده است و از امر ضمنی او به نماز اول وقت، سرتایده و خطاکار است. (خدای، تعالی، با این سخن: «... آنان که در نماز خود بی توجه اند»، در حقیقت می گوید: آنان که خود را به فراموشی و بی خبری می زنند، به اوقات نماز خود بی توجهی نشان می دهند و آن را مهم نمی دانند.

بنابر آنچه در اینجا و دیگر موارد عنوان شد، به واپس افکندن نماز؛ جز برای بیماران و کسانی که گرفتاری حاد و عذر موجهی دارند، روا نیست و براساس روایتی که قبلاً از کتاب «الخرایج و الجرایح» از امام رضا علیه السلام گزارش شد، به تأخیر انداختن نماز حتی به منظور ملحق شدن افراد همپا برای برپایی باشکوه تر آن جایز نیست و منتظر ماندن برای شرکت افراد بیشتر در نماز جماعت، موجب تزییع آن می گردد.<sup>۲</sup>

در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

... إِنَّ الصَّلَاةَ إِذَا ارْتَفَعَتْ فِي وَقْتِهَا رَجَعَتْ إِلَيَّ صَاحِبِهَا وَهِيَ بَيْضَاءُ مُشْرِقَةٌ تَقُولُ حَفِظْتَنِي حَفِظَكَ اللَّهُ وَإِذَا ارْتَفَعَتْ فِي غَيْرِ وَقْتِهَا بِغَيْرِ حُدُودِهَا رَجَعَتْ إِلَيَّ صَاحِبِهَا وَهِيَ سَوْدَاءُ مُظْلِمَةٌ تَقُولُ ضَيَّعْتَنِي ضَيَّعَكَ اللَّهُ.<sup>۳</sup>

اگر نماز، به وقت خود بالا رود، با حالتی سفید و پرتوافکن به صاحبش بازگردد و گوید: مرا حفظ کردی، خدا تو را نگه دارد و چون احکام و آداب آن رعایت نشود و در غیر وقت خود بالا رود، بسوی صاحب خود برگردد و گوید: مرا تباه کردی، خدا تو را تباه گرداند.

شیخ فریدالدین، عطار نیشابوری، در این زمینه سروده است:<sup>۴</sup>

۱ - فقه الرضا (۷)، ص ۱۶

۲ - بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۲۱ حدیث ۲۸

۳ - بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۲۵ و مستدرک سفینه البحار، ج ۶، ص ۲۲۳ و ۲۲۴

۴ - مصیبت نامه شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، ص ۳۲۲



ای نمازت، نماز تو آمده

پاک‌بازی تو بازی آمده

چون نماز تو چنین پرتفرقه است

ترک کن کاین نیست ادا این مخرقه است

این ادهم چون ادا کردی نماز

دست بنهادی به روی خویش باز

روی گفتم من بپوشم از خطر

تا برویم باز نتوان زد مگر

زانکه می‌دانم که دست بی‌نیاز

باز خواهد زد به روی من نماز

یکی دیگر از اشکال تباه کردن نماز، کاستن از آن است، در حدیثی نبوی و

علوی آمده است:

أَسْرَقُ الشَّرَاقِ مَنْ سَرِقَ مِنْ صَلَاتِهِ<sup>۱</sup>

دزدترین دزدان کسی است که از نماز خویش (که حق خدای، تعالی، است) بدزدد و

کم کند.

به طور کلی باید توجه داشت که نماز باید با رعایت تمامی حدودش اقامه

شود و چنانچه شرطی از شرایط نماز و حدی از حدود آن را رعایت نکنیم، آن را

سبک شمرده‌ایم و تباه کرده‌ایم.

پروردگارا! ما را از کسانی قرار ده که نماز را تباه نمی‌سازند و آن را بزرگ

می‌دارند.

## آثار استخفاف به نماز

### خودتخریبی و تباهکاری

در برخی دیگر از روایات آمده است که نماز به کسی که آن را به تأخیر

۱ - المنتخب الحسنی، ص ۷۵ و مستدرک سفینة البحار، ج ۵، ص ۲۷ و ج ۶، ص ۲۴۵

می افکند، می گوید:

ضَيَّعْتَنِي ضَيَّعَكَ اللَّهُ كَمَا ضَيَّعْتَنِي<sup>۱</sup>

مرا تباه کردی. خدا تو را تباه کند همچنان که مرا تباه کردی.

و نفرین نماز را نباید دست کم گرفت. ضایع کننده نماز به جای آن که آن را وسیله خودسازی قرار دهد، از آن ابزاری برای تخریب خویش می سازد. او نه تنها خود و نماز خود را تباه می کند، بلکه کارهای دیگرش را نیز که تابعی از متغیر نماز است، تباه می سازد.

امام علی (علیه السلام) هنگامی که محمّد بن ابی بکر را به ولایت مصر و توابع آن منصوب کردند، برای وی نامه ای نوشتند و در ضمن آن از اجرای صحیح نماز سخن گفتند. فرمودند:

... وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ فَمَنْ ضَيَّعَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهُ لِيُغَيِّرَهَا  
أَضْيَعُ<sup>۲</sup>.

بدان که هر چیزی از کارهایت تابعی از نماز توست. آن که نماز را تباه کند، کارهای دیگرش را بیشتر تباه خواهد کرد. مباد که با ستم در حق نماز به نفرین آن گرفتار آییم.

## پیروی از شهوات و رواج فساد و گمراهی

ترک نماز، موجب فراموش کردن خدا، مرگ، روز جزا، و فضیلت ها، و فروشدن در هواپرستی و شهوتهاست. ببینید که جوانان بی نماز، چگونه از فضایل، بی خبر و در شهوات غوطه ورنند.

در هیچ جامعه ای نباید بی نمازان جانشین خداپرستان گردند که خیرات و برکات از میان خواهد رفت، و تباهی و فساد به جای صلاح و سداد خواهد نشست و در آینده ای نه چندان دور کیفر گمراهی خود را خواهند دید و پیامد

۱ - امام صادق (علیه السلام) بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۰ و ج ۸۴، ص ۲۰۵

۲ - وسائل الشیعه، حدیث ۴۷۹۹ و المجالس، ص ۱۹

فساد، نابودی است.

پایان کار جامعه‌ای که فساد در آن جا گرفته است، بجز هلاکت نیست همچنان که اگر پیکری گرفتار فساد گردد و درمان نشود، به مرگ محکوم است. خدای، تعالی، فرمود:

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ... إِذَا تُلْتَمَسَتْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ حَرُّوْا سُجْدًا وَ بُكْيًا فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيَاً<sup>۱</sup>

آنان کسانی بودند که مورد انعام پروردگار واقع شدند... مردمی که هرگاه آیات خدای رحمان بر آنان تلاوت می شد، سجده کنان و گریه کنان به روی می افتادند. سپس مردمی جانشین آن قوم خداپرست شدند که نماز را تباه و خواهشهای دل را پیروی کردند. زود است که گمراهی خود را ببینند. و گرفتار شر شوند.

همچنان که سجده و گریه پیغمبران در پیشگاه حضرت حق موجب ارتقاء مقام آنان شد، تزییع نماز و پیروی از شهوات موجب گمراهی و سقوط اخلاف ناصالح آنان گردید. میل و اشتها به گناه؛ همانند سیل است و نماز چون سدّی که مانع قدرت تخریبی آن می گردد. در صورتی که فرد و جامعه‌ای سدّ نماز و نیایش را از میانه بردارد، در سیل شهوت غرق خواهد شد و به کام مرگ خواهد رفت. نوجوانان و جوانان را از بی‌نمازی برحذر داریم، نماز را به عنوان سرودی که روح خیرخواهی و نیکوکاری را تقویت می کند و عامل مهمی برای جلوگیری از فرو رفتن در فساد است، به آنان توصیه کنیم و آنان را به شناخت نماز حقیقی اسلام فراخوانیم.

### محرومیت از شفاعت پیغمبر و اهل بیت (علیهم السلام)

آنان که فریضه مهمه و سنگین نماز را به نحوی از انحا سبک بشمارند، از شفاعت پیغمبر رحمت و خاندان او، صلوات الله علیهم، بی نصیب می مانند. فرستاده خدا فرمودند:

لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ لَا يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَا وَاللَّهِ<sup>۱</sup>

آن که نماز را سبک شمارد از من نیست. نه به خدا، چنین کسی در حوض کوثر بر من وارد نخواهد شد.

و امام صادق (ع) روایت کرده‌اند که رسول خدا (ص) فرمودند:

لَا يَنْتَالُ شَفَاعَتِي عَدَا مَنْ آخَرَ الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَةَ بَعْدَ وَقْتِهَا<sup>۲</sup>

آن که نماز را پس از فرارسیدن وقت آن به واپس افکند به شفاعتم نرسد.

و خود آن بزرگوار فرمود:

إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنْتَالُ مُسْتَخِفًّا بِالصَّلَاةِ<sup>۳</sup>

شفاعت ما خاندان پیغمبر نمی‌رسد به آن که نماز را سبک می‌شمرد.

## مردن به غیر آیین محمدی

روزی پیامبر اکرم (ص) با گروهی از صحابه در مسجد نشسته بودند. مردی

وارد شد و نماز آغاز کرد و چنان با شتاب رکوع و سجود نمود که رسول خدا (ص) فرمودند:

نَقَرَ كَنْقَرِ الْغُرَابِ لِأَنَّ مَاتَ هَذَا وَهَكَذَا صَلَاتُهُ لَيَمُوتَنَّ عَلَيَّ غَيْرِ دِينِي<sup>۴</sup>.

نوک زد؛ مانند نوک زدن کلاغ. اگر این مرد بمیرد و نمازش اینچنین باشد بر آیینی غیر از دین من از دنیا رفته است.

## آثار

### سبک شمردن نماز جمعه

با توجه به نظر برخی از فقها که نماز جمعه را چه در زمان حضور امام و چه

در زمان غیبت او واجب شمرده‌اند، آنچه درباره آثار استخفاف به نماز گفته شد،

در مورد نماز جمعه نیز صادق است. و با عنایت به آنچه قبلاً در فضیلت نماز

۱ - المنتخب الحسنی، ص ۷۵، به نقل از جامع الاخبار

۲ - امالی صدوق، ص ۲۴۰ و بحار، ج ۸۰، ص ۱۱

۳ - ثواب الاعمال، ص ۲۰۶ و بحار، ج ۸۰، ص ۱۹

۴ - مستدرک الوسائل، ج ۳، روایت ۵۰۵۸

جمعه و حکمت و آثار آن بیان گردید، می توان به آثار استخفاف به نماز جمعه و اعراض از آن پی برد.

نخستین اثر استخفاف به نماز جمعه، محروم کردن خود و جامعه از آنهمه فضایل و برکات و خیرات است. برای آن که سبک شمارنده نماز جمعه بداند که چه فضیلتها و برکتهایی را از کف می دهد و پایان کارش چیست، برخی از آنها طی حدیثی از رسول خدا ﷺ نقل می شود.

بزنطی روایت کرده است که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَيِّدُ الْأَيَّامِ يُصَاعِفُ اللَّهُ، عَزَّ وَجَلَّ، فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَيَمْحُو السَّيِّئَاتِ وَيَرْفَعُ فِيهِ الدَّرَجَاتِ وَيَسْتَجِيبُ فِيهِ الدَّعَوَاتِ وَ يَكْشِفُ فِيهِ الْكُرْبَاتِ وَيَقْضَى فِيهِ الْحَوَائِجَ الْعِظَامَ وَهُوَ يَوْمُ التَّمْرِيدِ لِلَّهِ فِيهِ عِتْقًا وَ طَلْقًا مِنَ النَّارِ مَا رَعَاهُ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ وَ عَرَفَ حَقَّهُ وَ حُرْمَتَهُ إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَهُ مِنْ عِتْقَانِيهِ وَ طَلْقَانِيهِ مِنَ النَّارِ فَإِنْ مَاتَ فِي يَوْمِهِ أَوْ لَيْلَتِهِ مَاتَ شَهِيداً وَ بُعِثَ أَمِيناً وَ مَا اسْتَخَفَّ أَحَدٌ بِحُرْمَتِيهِ وَ ضَيَّعَ حَقَّهُ إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ، عَزَّ وَجَلَّ، أَنْ يُضَلِّيَهُ نَارَ جَهَنَّمَ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ.<sup>۱</sup>

براستی که روز جمعه، سرور روزهاست. خدای، عز و جل، پاداش حسنات را در این روز مضاعت سازد و گناهان را محو گرداند. درجات بندگان شایسته را بالا برد و دعاها را مستجاب فرماید. غصه های گلوگیر را از میان بردارد و حاجت های بزرگ را روا سازد. جمعه روز افزایش است. خدا را در این روز آزادشدگان و رهاشدگانی از عذاب جهنم است. هر که حرمت این روز را رعایت کند و حق آن بشناسد، بر خداست که وی را از عذاب دوزخ رها سازد. و کسی حرمت جمعه را سبک نمی شمرد و حق آن را تباه نمی کند جز آن که بر خدای، عز و جل، حق است که او را به دوزخ درآورد مگر آن که توبه کند.



گفتار دهم:

اعراض از نماز

## اعراض از نماز:

### انگیزه‌های ترک نماز

انگیزه‌های ترک نماز؛ همان انگیزه‌های ترک پرستش و بندگی است که در جلد دوم کتاب «پرستش‌شناسی» از آن سخن گفتیم. گروهی از روی جهل نماز نمی‌خوانند و گروهی از روی خودستایی و استکبار که آن نیز نوعی جهالت است و از اصول کفر می‌باشد و کفر منشأ بی‌نمازی و ترک صلات است. شیطان هرکس را با استفاده از زمینه‌هایی که دارد از خدا و اطاعتش دور می‌سازد. آنان که خدا را نمی‌شناسند و خود را در برابرش حقیر نمی‌بینند، دست از نماز می‌شویند و بجای ستایش او به ستایش خود مشغولند.

از مؤثرترین عوامل جرم، کفر، ظلم، طغیان، انحراف و بدبختی، غرور و خودبینی، و شهوت و سرمستی است.

کسانی که در برابر خواسته‌های ناروا و احمقانه خود، سر فرود می‌آورند و خود را برای رسیدن به آن به خاک مذلت می‌اندازند،

إِذَا قِيلَ لَهُمْ اذْكُرُوا الَّذِي كَفَرْتُمْ اذْكُرُوا الَّذِي كَفَرْتُمْ اذْكُرُوا الَّذِي كَفَرْتُمْ

هنگامی که به آنان گفته می‌شود برای خدا رکوع کنید، خم نمی‌شوند.

رکوعی که به منظور سپاس در برابر برخی از نعمتهای پروردگار و ترک ردیله خود بزرگ بینی و خودرأیی است.

گفته‌اند: این آیه دربارهٔ قبیلهٔ بنی‌ثقیف نازل شده است که پیغمبر اکرم ﷺ به آنان فرمودند: نماز بخوانید. گفتند: این برای ما عیب است و ما

در برابر کسی خم نمی شویم. آن حضرت خطاب به آنان فرمودند:

لَا خَيْرَ فِي دِينٍ لَيْسَ فِيهِ رُكُوعٌ وَ سُجُودٌ<sup>۱</sup>

دینی که در آن رکوع و سجود نباشد، فاقد ارزش و نتایج نیکوست:

کسانی که از رکوع و سجود در برابر آفریدگار خود ابا دارند، روح غرور و نخوت در تمامی افکار و اعمالشان منعکس است. نه در برابر امر خدا تسلیم‌اند و نه در برابر دستور پیغمبر. نه حق مردم را محترم می‌شمرند و نه در برابر آنان متواضعند. آنان همه چیز را، جز منافع خود، دروغ می‌دانند. و نسبت به حقایق هستی کفر می‌ورزند.

از این روی قرآن می‌فرماید:

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

وای بر تکذیب‌کنندگان، در روز رستاخیز

و در آیه بعد که آخرین آیه سوره مرسلات است، می‌فرماید:

فَبَأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

اگر به احکام قرآن که دلایل صدقش از تمام آیات آن نمایان است و چنانچه بر کوه فرود آید، آن را خاشع و لرزان می‌کند، مؤمن نمی‌شوند، پس از آن به کدام سخن می‌گروند؟!

یعنی که وجودشان از روح عناد و لجاج سرشار است و این حالتی است که مانع از پذیرش حق می‌گردد.

## استکبار

### از ریشه‌های کفر

و

### بی‌نمازی برخاسته از کفر است

استکبار از ریشه‌های کفر، و کفر موجب بی‌نمازی و ترک نماز است. صادق آل محمد صلوات‌الله‌علیهم، فرمود:

أَصُولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ: الْجِرْصُ، وَالْأَسْتِكْبَارُ، وَالْحَسَدُ. فَأَمَّا الْجِرْصُ فَأَنَّ  
 آدَمَ ﷺ حِينَ نَهَى عَنِ الشَّجَرَةِ حَمَلَهُ الْجِرْصُ أَنْ أَكَلَ مِنْهَا. وَأَمَّا الْأَسْتِكْبَارُ  
 فَأَبْلِسُ حَيْثُ أَمَرَ بِالسُّجُودِ لِآدَمَ فَأَبَى. وَأَمَّا الْحَسَدُ فَأَبْنَا آدَمَ حَيْثُ قَتَلَ أَحَدَهُمَا  
 صَاحِبَهُ.<sup>۱</sup>

ریشه‌های کفر، سه است: آزمندی، بزرگی خواهی، و رشک بری. نخستین آزمندی از آن آدم است که چون او را از درخت گندم بر حذر داشتند، از او را به خوردن از آن واداشت. اما نخستین بزرگی خواهی از ابلیس است آنجا که به او فرمان سجده بر آدم دادند و او از آن سرپیچید. و اما نخستین حسد از دو فرزند آدم است. آنجا که یکی از آن دو دیگری را کشت.

## ترک نماز استکبار

و

### ستیزه با خداست

بزرگان نکردند در خود نگاه	خدابینی از خویشان بین محواه
تواضع سر رفعت افرازدت	تکبر به خاک اندر اندازدت
ز مغرور دنیا ره دین بجوی	خدابینی از خویشان بین بجوی

سعدی<sup>۲</sup>

خدای، تعالی، فرمان سجده بر آدم را برای فرشتگان صادر کرد اما تکریم و تعظیم آدم هدف نبود بلکه وسیله‌ای بود برای یک آزمون بزرگ. تمام فرشتگان سجده کردند مگر ابلیس که تعصب او را گرفت و به سرکشی در برابر امر خدا واداشت. داستان خلقت آدم نشان می‌دهد که ابلیس، امتحان‌کننده را می‌شناخت و می‌دانست که لباس عزت و کبریا از اوست. امتحان‌شوندگان را نیز می‌شناخت؛ هم از هویت جنی و ناری خود باخبر بود و هم ملائکه را می‌شناخت

۱ - اصول کافی، کتاب ایمان و کفر، باب کفر و ارکان آن

۲ - کلیات سعدی، تصحیح محمد علی فروغی، انتشارات امیرکبیر، ص ۲۹۸

و می دانست که ملک اهل ملکوت و باطن عالم است. موضوع امتحان؛ یعنی آدم را نیز می شناخت و از سرشت گلین او آگاه بود. آنچه او نمی دانست، هدف امتحان بود. هدف آزمون، جدا کردن متواضعان از مستکبران و تفکیک تارک سجده از سجده گزاران بود. سجده کنندگان، متواضع اند و آن که سجده نمی کند مستکبر است. خدای تعالی، ترک نیایش را استکبار نامید و فرمود:

إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ<sup>۱</sup>

آنان که از پرستش من سرکشی کنند، بزودی «خوار شده» وارد دوزخ گردند.

استکبار از عبادت خدا، استنکاف و استنکار از عبادت اوست. ابلیس مستکبر از سجده کردن بر آدم ننگ داشت و آن را زشت شمرد. از این رو، از آن امتناع ورزید. قرآن می فرماید:

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِي وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيَّ جَمِيعًا<sup>۲</sup>

عیسی از آن که بنده خدا باشد، ننگ نکرد و فرشتگان مقرب نیز و هر که از عبادت او ننگ کند، و سرکشی ورزد، پس خواهد برانگیخت تمامی مستکبران را بسوی خویش.

و فرمود:

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ<sup>۳</sup>

تنها کسانی باور دارنده آیات ما هستند که هرگاه به آن پند داده شوند، سرنگونسار افتند و پروردگار خود را با ستودنش به پاکی یاد کنند و آنان تکبر نمی ورزند.

با توجه به آنچه اخیراً گفته شد، استکبار و ترک نماز، به یک معنی است و عامل بی نمازی، تعصب و تفاخر جاهلی است. تواضع، نشان نماز گزاران و استکبار، نشان بی نمازان است. آن که سجده نمی کند و نماز نمی خواند پا جای پای ابلیس می گذارد. جامعه مستکبر و بی نماز، جامعه ای ابلیسی است و جامعه



نمازگزار خصال فرشتگان دارد.

نمازگزار، موحد است و وحدت را در جامعه حفظ می‌کند، زیرا توحید اعتقادی، توحید عملی را به دنبال دارد و این دو در اجتماع موحدان موجب یکسانی پندار و گفتار و کردار است. چنین جامعه‌ای زمینه اختلاف ندارد و وحدت در آن ایجاد می‌گردد و محفوظ می‌ماند.

در جامعه نمازگزار، اختلاف و کینه و نزاع دیده نمی‌شود اما در جامعه مستکبر و بی‌نماز، تعصب و تفاخر و استکبار، کار را به نزاع و درگیری‌های دامنه‌دار می‌کشاند و جامعه را آشفته می‌سازد. گاهی استکبار یک جامعه، جهان را آشفته می‌سازد.

همه می‌دانند که استکبار هیتلری در آلمان، جنگ جهانی به راه انداخت و تمام مردم گواهند که استکبار آمریکا، جهان را متشنج کرده است و آرامش را در اینجا و آنجا دنیا به هم زده است. اگر حکومت حاکم بر آمریکا موحد بود، چنین وضعی را برای دنیا پدید نمی‌آورد. این مستکبران خود و نژاد خود را برتر می‌دانند و داعیه سروری بر تمام جهان دارند. گویی ادعای خدایی دارند و در بزرگی با خدا منازعه می‌کنند. و تمام مشکلات جهان از این طرز تفکر جاهلی است.

در زمان امام علی (ع) کوفیان، تعصب‌ها و تفاخرهای جاهلی را که اسلام با آن مبارزه کرده بود و با حذف آن اخوت اسلامی را پدید آورده بود، زنده کردند. این تفکر و عملکرد غیرتوحیدی، حصار اخوت اسلامی را شکست و وحدت جامعه را گسست. گروه‌گرایی‌ها و جناح‌بندی‌ها، به درگیری‌های دامنه‌دار کشید و اوضاع شهر در هم ریخت. امام علی (ع) با خبر شدند و به سوی کوفه شتابیدند و بر در دروازه کوفه برای کوفیان سخن گفتند و چون در حال خطبه سوار ماده اشتر نشخوارکننده‌ای بودند، آن سخنرانی به نام قاصعه شهرت یافت. و آغاز آن این است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَبَسَ الْعِزَّ وَالْكَبْرِيَاءَ وَ اخْتَارَ هُمَا لِنَفْسِهِ دُونَ خَلْقِهِ وَ جَعَلَهُمَا جَمِيًّا وَ حَرَمًا عَلَى غَيْرِهِ وَ اضْطَفَا هُمَا لِجَلَالِهِ وَ جَعَلَ اللَّعْنَةَ عَلَى مَنْ نَارَعَهُ فِيهِمَا مِنْ عِبَادِهِ.

ستایش، مخصوص الله است آن که جامه قدرت بی رقیب و پادشاهی جهان در بر کرد و آن دو را برای خود، نه برای آفریدگان خود، انتخاب کرد، بر غیر خود قدغن و ناروا قرار داد و منحصرأ برای مقام بلند خود برگزید و دورباش از رحمت خود را برای بنده‌ای که در آن دو با او ستیزه کند، مقرر کرد<sup>۱</sup>

## امام المتعصّین اولین تارک الصّلات

امام علی (علیه السلام) در ادامه خطبه قاصعه فرمودند:

ثُمَّ اخْتَبَرَ بِذَلِكَ مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ لِیُمَيِّزَ الْمُتَوَاضِعِينَ مِنْهُمْ مِنَ  
الْمُسْتَكْبِرِينَ فَقَالَ سُبْحَانَهُ وَهُوَ الْعَالِمُ بِمُضْمَرَاتِ الْقُلُوبِ وَ مَخْجُوبَاتِ  
الْغُيُوبِ إِنِّي خَلِيقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ فَأَذَا سَوَيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَتَعَوَّاهُ  
سَاجِدِينَ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ اعْتَرَضَتْهُ الْحَمِيَّةُ فَانْتَحَرَ  
عَلَى آدَمَ بِخَلْقِهِ وَ تَعَصَّبَ عَلَيْهِ لِأَصْلِهِ. فَعَدَّوَاللَّهِ إِمَامَ الْمُتَعَصِّبِينَ وَ سَلَفَ  
الْمُسْتَكْبِرِينَ الَّذِي وَضَعَ أَسَاسَ الْعَصَبِيَّةِ وَ نَارَعَ اللَّهَ رِدَاءَ الْجَبَرِيَّةِ وَ اِدَّرَعَ  
لِبَاسِ التَّعَزُّزِ وَ خَلَعَ قِنَاعَ التَّدَلُّلِ.<sup>۲</sup>

... آنگاه فرشتگان نزدیک گشته به درگاه خویش را به آن (فرمان تحریم)، امتحان فرمود تا فروتنانشان را از بزرگی طلبان (شیطان که از جن بود و در میان آنان بود)، جدا سازد. پس خدای پاک با آن که به رازهای پنهان شده در دلها و اسرار پوشیده جهانهای نهان، دانا بود، فرمود: «من آفریننده بشری از گِل چسبنده‌ام. آنگاه که او را معتدل ساختم و از روح، که آن نیز مخلوق من است، در کالبدش دمیدم و جانش بخشیدم. در حالی که سجده‌کنندگان برای من باشید، برای تعظیم او به روی درآیید.<sup>۳</sup>

۱ - نهج البلاغه، ج ۲۲۴ / القاصعه، بند ۱ (ترجمه نگارنده)

۲ - نهج البلاغه، ج ۲۲۴ / القاصعه، بند ۱ (ترجمه نگارنده)

۳ - برخی گفته‌اند: همچنان که از ظاهر آیه بدست می‌آید، موضوع سجده، آدم بوده است لیکن سجده بر آدم به معنای تعظیم در برابر او، و قبول مقام خلیفة اللّهی و ولایت وی بوده است که ابلیس از آن سر باز زد.

پس تمامی فرشتگان همه باهم سجده کردند مگر ابلیس<sup>۱</sup> که به نوع خود بالید و بر آدم نازید و به خاطر سرشت و نژاد خود، علیه او غیرت و عصبیت ورزید.<sup>۲</sup>

... بنابراین دشمن خدا «شیطان» پیشوای خودخواهان، پیشاهنگ مستکبران (بی نماز)، و بنیانگذار عصبیت و سرسختی است که در پوشش جبه قدرت و عظمت با خدا ستیزه کرد، لباس تکبر و عزت دروغین پوشید و پوشش فروتنی بدرآورد.<sup>۳</sup>

## اندرز امام علی (علیه السلام) به مستکبران

۱- به کیفر سخت خود بزرگ بینان توجه کن: ... آیا نمی بینید که خدای، تعالی، چگونه او (شیطان) را به خاطر تکبرش کوچک کرد و به سبب برتری جویی اش پست گردانید، آنگاه او را در دنیا رانده درگاه خویش کرد و در آخرت زبانه آتش برایش فراهم ساخت؟

گفت فرود آی و ز خود دم مزن      ورنه فرود آرمت از خویشتن

### نظامی<sup>۴</sup>

۲- آزمون الهی برای سلب سروری خواهی: ... و اگر خدا می خواست آدم را از نوری بیافریند که روشنائی اش دیده ها را برآید و تازگی و زیبایی اش بر خردها چیره شود یا از عطری که بوی خوشش نفسها را بگیرد، چنان می کرد. البته در آن صورت گردنهای کشیده برایش خمیده می گردید و کار امتحان درباره او بر فرشتگان سبک و آسان می شد (و شیطان او را پست تر از خود نمی پنداشت) و لیکن پاک آفریدگار بزرگ، به منظور جداسازی بندگان به وسیله آزمون مشهود و برای سلب سروری خواهی و دور ساختن خود بزرگ پنداری از آنان، آنان را می آزماید به پاره ای از آنچه ریشه و انگیزه اش را نمی دانند.

۳- از رفتار خدا با شیطان درس عبرت آموزید: ... بنابراین از رفتار خدا با شیطان پند بگیرید. آنگاه که کار دراز و کوشش بسیار او در امر طاعت را برای یک لحظه تکبر فرو ریخت. حال آن که خدای را شش هزار سال پرستیده بود.

۱- الحجر ۲۹/

۲- نهج البلاغه، خ ۲۳۴ / القاصه، بند ۲ و ۳ (ترجمه نگارنده)

۳- همان مأخذ، بند ۳

۴- خمسة نظامی، اقبالنامه

دانسته نیست که این شمار از سالهای دنیا بوده است یا از سالهای آخرت (که هر روز آن معادل پنجاه هزار سال است)...

۴ - قانون خدا برای همه سرکشان قانون شکن یکسان است: ... پس از ابلیس، چه کسی از عذاب خدا نجات می یابد از آنان که به مانند او نافرمانی علیه خدا بجای آرند؟ هرگز! (چنان کسی را از عذاب الهی رهایی نیست). بی تردید، کردگار پاکیزه کردار، چنان نیست که بشری را با کاری به بهشت درآورد که به سبب همان کار، فرشته‌ای (شیطان) را از آن بیرون کرد. بتحقیق، فرمان او درباره فرشتگان آسمان و خاکیان زمین یکی است. در حلال شمردن کار ممنوعی که آن را بر جهانیان حرام کرده است، میان خدا و هیچ یک از آفریده‌هایش آسانگیری و مدارایی نیست...

۵ - شیطان برای انتقام گرفتن از فرزندان آدم، از مبتلا کردن آنان به بیماری خودخواهی و خواندن به گناه و تیراندازی از نزدیک بهره می‌گیرد: ... پس ای بندگان خدا! از دشمن خدا؛ شیطان، بترسید. پروا کنید از آن که بیماریش را به شما سرایت دهد، با فریاد فراخوانش شما را بلغزاند، و سواره نظام و پیاده سپاهش را بر شما گرد آورد.

به جان خودم، برای جان شما تیر بیم (القاءات گمراه کننده و هلاکت بار) در کمان نهاد و برای هدف گرفتنتان، با کشیدنی سخت، تیر از کمان برکشید و از جایی نزدیک به شما تیر انداخت. گفت: «ای پروردگار من! به سبب آن که مرا گمراه کردی، هر آینه، گناهان را برای فرزندان آدم خواهم آراست و البته همگیشان را گمراه خواهم ساخت.»، این سخن که وی افکند، تیر انداختن به تاریکی، پیشگویی از نهان دور از درک، و سخن گفتن از گمان نادرست بود...

۶ - دارندگان غیرت جاهلی و مروّجان عصبیت نژادی، یاران و تصدیق کنندگان شیطانند: ... اما پسران غرور و خودخواهی، یاران غیرت و سرسختی، و سواران مرکب گردنکشی و نادانی (با گناهکاری و نافرمانی و گرفتار شدن به بیماری شیطان و درد خودخواهی) او را به آن (ادعای آراستن گناهان و گمراه کردن مردمان که تیرانداختن به تاریکی بود و از گمان نادرست برمی‌خاست)، تصدیق کردند (و سخنش را، راست و درست درآوردند)، تا آن که سرکش و هوس سوار



شما او را گردن نهاد و آرزوی او (در گمراه کردن) شما، سخت و پابرجا شد، آنگاه حال شما (در فرمانبری از شیطان از قوه به فعل آمد و) از راز نهان به امری هویدا نمایان گشت.

۷ - شیخون شیطان بر غفلت زدگان: ... چیرگیش بر شما نیرو و نری گرفت. لشگرهای خود را به سمت شما آهسته به پیش برد. پس ناگهان شما را به مغاره‌های پستی درافکندند و به گودالهای مرگ فرود آوردند و در سستی ناشی از زخم، به گام زدن و زیر پای سپردن زمین واداشتند (و چون از مقاومت کاملاً ناتوان شدید)، در چشمهایتان نیزه زدند (تا کور گردید و از تشخیص صواب و ناصواب ناتوان شوید)، گلوهایتان را بریدند و سوراخهای بینی شما را کوبیدند (تا از حلقوم و خیشوم شما گفتار حقی برنیاید)، و اندامهای نزدیک به مرگتان (شفیقه‌ها) را هدف قرار دادند (تا منجر به مرگ فوری انسانیت در شما شود)، و شما را با حلقه‌های مهار خشم (که در بینی نهند) بسوی آتشی که برایتان آماده گشته است، روان کردند...

۸ - آتش عصبیت را خاموش کنید و علیه شیطان به مبارزه برخیزید: ... شیطان از نظر زخم زدن در دینتان، بزرگتر، و از نظر آتش‌افروزی در دنیایتان آتش افروزتر از کسانی است که برای آنان آشکار کنندگان دشمنی، و برآنان گرد آیندگان به پیکار گردیدید، بنابراین مبارزه خود را علیه او قرار دهید و کوشش خود را برای دفع او صرف کنید.

به ابدیت الله سوگند، شیطان بر سرشت خاکی شما نازید، در شرافت اجدادیتان عیب گرفت و سرزنش نمود،<sup>۱</sup> نسب شما را نکوهش کرد، سواران خود را بر گمراهیتان گرد آورد و با پیادگانش آهنگ بستن راهتان کرد. هر جا باشید شما را شکار می‌کنند و سرانگشته‌های شما را می‌زنند، در گرداب خواری، دایره

۱ - نگارنده به یاد دارد که چند امریکایی در زمان شاه در جاذبه‌های ایران تصادف کردند و در بیمارستان بستری شدند. چند جوانمرد ایرانی حاضر شدند مقداری از خون خود را برای نجات آنان هدیه کنند اما آنان در کمال گستاخی و حق‌ناشناسی گفتند: ما حاضریم بمیریم اما خون ایرانی را در رگهایمان تزریق نکنند.

تنگی، جایگاه مرگ و جولانگاه بلا و سختی (اسیرتان می‌کنند). نمی‌توانید به نیرنگی از امرشان سرباز زنید و به اراده‌ای دفعشان کنید.

پس آنچه را که از آتشیهای تعصب و کینه‌های جاهلی در دل‌هایتان است خاموش کنید که آن خودپسندی، در وجود مسلمان، تنها از وسوسه‌های شیطان، نازشها، تباهی‌کردنها، و افسون‌دمیدنهای اوست...

۹ - تاج فروتنی و طاعت بر سر نهید: ...نهادن تاج فروتنی و طاعت بر سرها، افکندن خودخواهی و چیرگی طلبی به زیرپا، و برکندن (رشته اسارت) تکبر از گردن‌هایتان را اراده کنید. فروتنی را انبار سلاح و مرزی میان خود و دشمن خود؛ ابلیس و لشکرهای او گیرید زیرا برآستی که او را از هر گروهی سپاهیان، یاران، پیادگان و سوارانی است.

۱۰ - مانند قابیل نباشید و پا جای پای اولین پیرو شیطان در کره خاک نگذارید: ... چون گردن‌کشنده بر فرزند مادر خویش (قابیل) مباشید که (بر برادرش هابیل، گردن افراخت) بی آن که خدا برتری در او قرار داده باشد جز آنکه از دشمنی ناشی از رشک، خود بزرگ بینی به نفس او پیوست و از آتش خشم، ننگ و عار و غیرت در دلش برافروخته گشت. شیطان از باد خودبینی و سرکشی در بینی‌اش دمید. باد کبری که خدا پشیمانی و افسوس را در پی آن آورد و او را به رنج ندامت عقوبت کرد و گناهان آدمکشان را تا روز واپسین بر گردنش گذاشت.

بدانید که در ستم فرو رفتید و در زمین تباهی کردید. به منظور رودررو شدن با (دین) خدا، به اعلان دشمنی، در ستمگری مبالغه کردید و با ظاهر شدن در صحنه پیکار و خودنمایی و صف‌آرایی برای کارزار با مؤمنان (برادران ایمانی)، در زمین تباهی آوردید...

۱۱ - از دامی که امت‌های پیشین در آن افتادند، بپرهیزید: ... از خدا بترسید، از خدا بترسید، در گناه کبرورزی ناشی از ننگ و غیرت و سرافرازی بجا مانده از دوره جاهلیت. (او را در نظر بگیرید و از آن بپرهیزید)، زیرا که آن (بادهای غیرت و غرور)، بادهای آبستن‌کننده درخت دشمنی، تخمدانهای بارورکننده بذر کینه و جاهای افسون‌دمیدنهای شیطان است که امت‌های پیشین و نسل‌های گذشته را



در آن فریب داده است و آنان در حالی که از راندنش رام و در کشیدنش روان بودند به رفتار سریع چهارپایان در تاریکیهای نادانی و دزّه‌های گمراهیش به شتاب رفتند؛ کاری که دلها در آن همانند شدند و فرقه‌های پیشین بر آن پیایی رفتند و کبری که به سبب آن سینه‌ها از کینه‌ها پر شدند و پریشان گشتند...

۱۲ - مهتران، شیاطین و بنیانهای خودپسندی و نژادپرستی اند، از آنان پیروی نکنید. ... آگاه باشید، زینهار، زینهار، از بزرگان و مهتران خود فرمان نبرید. از آنان که از موضع فامیلی خود گردنکشی کردند و بالاتر از نسب خود برتری جستند، آنچه را به گمانشان زشتی نسبها بود به آفریدگار خود نسبت دادند (نسب برخی از مردم را پست شمردند و آن پستی و زشتی را از خواست خدا دانستند)، و خدا را از روی ستیزه با قضا و قدرش و چیرگی نمودن با او به نعمتهایش بر آنچه از احسان به ایشان عطا کرده بود انکار کردند (نعمت و رفاهی را که در اختیار داشتند از لطف و احسان خدا ندانستند و از بزرگی و زرنگی خود پنداشتند) به راستی که آنان بنیانهای خودپسندی و نژادپرستی، استوانه‌های پایه‌های آشوب و تیغهای افتخار نژادی جنگهای جاهلی اند.

۱۳ - وابستگان به اشراف، اشتران بارکش شیطان اند به خدا وابسته شوید. ... بنابراین از خدا بترسید، نه برای نعمتهای او که به شما ارزانی داشته است، ناسازهای ناسپاس باشید و نه برای احسان او که نزد شماست، رشک برندگان باشید.

بی‌پدران پست وابسته به اشراف و تبهکاران مُنتَسَب به نیکان را که تیره رذایلشان را با پاکیزه فضایل خود نوشیدید و بیماری نفاقشان را به تندرستی خلوص خود آمیختید و تباهشان را به حق خود داخل کردید، فرمان مبرید که آنان ته پایه تبهکاریها، ملازمان نافرمانیهای اوامر پروردگار، همراهان مخالف و پلاسه‌های پشت آزار پیکر اجتماع اند.

شیطان آنان را اشتران بارکش نقل و انتقال گمراهی گرفته است و سپاهی که توسط آن به مردم حمله می‌برد و مترجمانی که برای ربودن خردها، نشستن در چشمها، و دمیدن در گوشه‌ایتان با زبانشان سخن می‌گوید. پس شما را آماجگاه تیر تباهی و قدمگاه گام خواری و دستاویز گرفتاری خود گردانید...

۱۴ - به اندرزگاه گورستان بروید و از جاهای رخصاره‌های گردنکشان درس فروتنی بیاموزید: ... بنابراین به آنچه از سختی کیفر کردگار، قهرها، و عقوبتهای عبرت بخش او به جامعه‌های گردنکشان پیش از شما رسیده است، پند بگیرید و به جاهای رخصاره‌ها و مواضع به خاک در افتادن پهلوهایشان اندرز پذیرید و از زاینده‌های کبر به خدا پناه برید همچنان که از پیش آمدهای ناگوار روزگار به او پناهنده می‌شوید...

۱۵ - پیامبران، پشاهندگان فروتنی و خنثی کنندگان کار شیطانند، پیرو پیامبران باشید: ... اگر خداوند در کبر ورزیدن به کسی از بندگان خود اجازه می‌فرمود، هرآینه در مورد آن به ویزگان از پیامبران و دوستان خود دستوری می‌داد و لیکن خدا که از هر زشتی و پلیدی دور است، بزرگ منشی نمودن را بر آنان ناپسند کرد و فروتنی را برایشان پسندید پس گونه‌های خود را برای خدا به زمین چسپانیدند، چهره‌هایشان را به خاک مالیدند و برای مؤمنان، بالهای فروتنی گسترده‌اند. گروهی مستضعف بودند که خداوند آنان را به گرسنگی بسیار، امتحان کرد، به محنت و سختی گرفتار ساخت، به امور بیم آوار آزمود و با سختیهای ناملايمات، زبده و سرآمد ساخت.<sup>۱</sup>

توجه: از بررسی روایاتی که در مورد نماز وارد شده است روشن می‌شود که مسأله نماز آنقدر مهم و حساس است که گویا در حوزه اسلامی کمتر اجازه مسائل مربوط به ترک آن را داده‌اند و همه تأکیدها و هشدارها مربوط به این است که نباید آن را کوچک شمرد و به آن بی‌اعتنایی کرد و ترک آن آنقدر سنگین و وحشتناک است که نمی‌توان گفتگویی در باره آن مطرح کرد. اگر در این روایت آمده است که نخستین پرسش در روز قیامت از نماز است در ارتباط با کیفیت و چگونگی آن سؤال می‌شود نه از وجود و عدم آن زیرا تارک الصلوات بر حکم ارتداد است و کافر مرتد از گروههایی است که بدون سؤال راه جهنم را طی می‌کند. از این‌رو، در روایاتی که سؤال نخست را در قیامت مربوط به نماز می‌دانند، این جمله‌ها را اضافه کرده‌اند: *إِنْ قُبِلَتْ قَبْلَ مَا سِوَاهَا وَ إِنْ رُدَّ رُدَّ مَا*

سِوَاهَا<sup>۱</sup>

اگر نماز قبول شود، اعمال دیگر را قبول کنند و اگر نماز رد شود، اعمال دیگر نیز مردود است.

إِنْ قَبِلَتْ نُظِرَ إِلَيَّ غَيْرِهَا وَ إِنْ لَمْ تُقْبَلْ لَمْ يُنْظَرْ فِي شَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ.<sup>۲</sup>

اگر نماز را بپذیرند، به غیر آن نیز نظر کنند و اگر قبول نکنند، در چیزی از کارهای دیگرش نگاه نکنند.

یکی از متفکران و دانشمندان معاصر اهل سنت در کتاب فقهی خود که در اکثر دانشگاههای عمومی به عنوان متن درسی مورد استفاده است، می گوید: مسلمانان بر این مطلب اتفاق نظر دارند که نماز، بر هر مسلمان بالغ و عاقل و... واجب است و نیز همه مسلمانان بر این باورند که هر کس نماز را منکر شود، کافر مرتد است. اما کسی که نماز را از روی سستی و استخفاف به آن ترک کند، فاسق و گنهگار است مگر آن که تازه مسلمان باشد و آنقدر با مسلمانان همزیستی نداشته باشد که فرهنگ نماز را فرا گیرد. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: لَا حَظَّ فِي الْأِسْلَامِ لِمَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ<sup>۳</sup>

در اسلام برای کسی که نماز را رها کند بهره ای وجود ندارد.

ابوحنیفه، می گوید: «تارک نماز، از روی سستی، فاسق است و باید زندانی و تنبیه شدید شود؛ تا آنکه نماز بخواند و توبه کند، یا در زندان بمیرد و همین حکم در مورد کسی که روزه ماه رمضان را ترک کند، جاری می شود.<sup>۴</sup>

یکی از شاعران پیشین عرب سروده است:

وَأَبِي مَعَادَا صَالِحًا وَمَأْبَا	خَيْرَ الَّذِي تَرَكَ الصَّلَاةَ وَخَابَا
أَضْحَى بِرَبِّكَ كَافِرًا مُرْتَابَا	إِنْ كَانَ يَجْحَدُهَا فَحَسْبُكَ أَنَّهُ
عَطَى عَلَى وَجْهِ الصَّوَابِ حِجَابَا	أَوْ كَانَ يَتْرُكُهَا لِنَوْعِ تَكَاوَلِ
إِنْ لَمْ يَسْتَبْ حَدَّ الْحُسَامِ عِقَابَا	فَالشَّافِعِيُّ وَمَالِكُ رَأْيَا لَهُ
لِجَمِيعِ تَأْدِيبِ يَرَاهُ صَوَابَا	وَالرَّأْيُ عِنْدِي لِلْأَمَامِ عَذَابُهُ

۱ - معصومین (ع) بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۶۷ و ج ۱۰، ص ۳۹۴

۲ - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۷.

۳ - دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۳

۴ - المستطرف فی کل فن مستطرف، شهاب الدین محمد بن احمد الابشیهی، جزء اول باب اول

## نماز تکلیفی که ساقط نمی شود

خدای، تعالی، فرمود:

إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا<sup>۱</sup>

براساس روایات ائمه هدی علیهم السلام، کلمه (مَوْقُوت) در این آیه به معانی (موجب، مفروض و ثابت) است.

از داوود بن فرقد، روایت شده است که گفت: معنی آیه (كِتَابًا مَّوْقُوتًا) را از امام صادق علیه السلام پرسیدم. فرمود: یعنی (كِتَابًا ثَابِتًا)<sup>۲</sup> بنابراین نماز، وظیفه ثابتی است که جز برای زنان، در هیچ حالتی ساقط نمی شود و مانند دیگر عبادات، منوط به استطاعت نیست. مرد مسلمان در هر شرایطی که باشد باید آن را بجای آورد. پیاده بودن، سواره بودن، جنابت، بیماری، نبرد و حتی حرق و غرب، مانع از ادای فریضة الهی نیست و به هر صورت ممکن (ایستاده، نشسته و به پهلو خوابیده) باید ادا شود.

حسین بن علی علیه السلام در میدان نبرد عاشورا با خون خود وضو ساخت و اقامه نماز کرد و به پیروان خویش آموخت که ترک نماز در هیچ شرایطی جایز نیست. کسی که نماز واجبش را از روی انکار و یا سبک شمردن رها سازد، کافر و مرتد است.

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که

إِنَّ تَارِكَ الصَّلَاةِ كَافِرٌ<sup>۳</sup>

آن که نماز را بدون علت رها کند، کافر ورزیده است.

در تاریخ تصوف، کسانی بوده اند که مشام جانشان، از عطر عرفان و ایمان معطر نگشته است و شیرینی پرستش خدا را نچشیده اند، در نتیجه ترک نماز و دیگر عبادات کرده اند و با وجود این خود را عارف و اهل یقین، و واصل به حق

۱ - نساء، ۱۰۳.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳، باب وجوب الصلاة، احادیث ۱، ۲ و ۳.

۳ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۹، حدیث ۴.



شمرده و از عبادت معاف دانسته‌اند.

آنان عبادت را وسیله‌ای برای رسیدن به یقین معرفی کرده و گفته‌اند پس از حصول یقین، استفاده از این وسیله، لازم نیست؛ مانند کسی که قصد رسیدن به پشت بام را دارد و باید از نردبان استفاده کند اما پس از رسیدن به آن می‌تواند نردبان را بردارد و کنار بگذارد زیرا دیگر وجود آن ضروری نیست. خدا فرموده است:

وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ<sup>۱</sup>

تا زمانی که تو را یقین آید، خدا را پرست.

بنابراین پس از رسیدن به یقین، تکلیف ساقط است و واصل به یقین از عبادت معاف می‌باشد.

در پاسخ آنان و کسانی که همانند آنان می‌اندیشند باید گفت: این توجیه نادرست، سوء استفاده از مذهب علیه مذهب است و آیه مذکور نمی‌تواند دستاویزی برای ترک پرستش خدا باشد و بطلان معنی و برداشتی که از آن می‌کنند به دلایل عقلی و نقلی، مبرهن و روشن است:

- نظر معروف و مشهور در میان مفسران این است که در اینجا منظور از

«یقین» «مرگ» است زیرا:

اولاً: مرگ برای همگان یک امر مسلم است و هر چند که مردم از آن غافل می‌شوند اما در آن تردید نمی‌کنند.

ثانیاً: هنگام مرگ برده‌ها کنار می‌روند و حقایق آشکار می‌شود، و در نتیجه برای محتضر، حالت یقین پیش می‌آید.

ثالثاً: کلمه یقین در جای دیگر از قرآن به همین معنی (مرگ) بکار رفته است.

۱- در سوره مدثر از قول دوزخیان می‌خوانیم:

وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الَّذِينَ حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ<sup>۲</sup>

ما همواره روز جزا را دروغ می‌شمردیم تا آن که مرگ ما، در رسید.

۲- مخاطب این سخن، پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و اگر بگوییم که مراد از یقین، عدم تردید و تزلزل عقیدتی است، در حقیقت پذیرفته‌ایم که آن حضرت به مقام یقین نرسیده است و ایمانش کامل نبوده است. (تَعُوذُ بِاللَّهِ)، مقام یقین و کمال ایمان او بر همگان روشن است: آیا کسی می‌تواند مدعی ضعف ایمان مؤمن‌ترین خلق خدا گردد، حال آن که او هم اسوه ایمان و هم اسوه مجاهده در راه ترویج ایمان است.

۳- تاریخ نشان می‌دهد که پیغمبر اکرم و خاندان پاکش که درود خدا بر تمامی آنان باد، تا آخرین ساعات عمر خود ترک نماز و عبادت نکرده‌اند بلکه در سخت‌ترین میدانهای کارزار با دشمنان خدا نیز که نمونه‌اعلای آن را در عاشورا و کربلا مشاهده می‌کنیم، اقامه نماز کرده‌اند و شخصیتی چون علی عَلِيٌّ که ابوالاثمه است، شهید محراب عبادت شد و از مرگ در محراب به خود بالید و فریاد «فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ»<sup>۱</sup> را سرداد و نه تنها پیغمبر و ائمه ما بلکه به گواهی وحی و تاریخ، هیچ یک از پیامبران ترک عبادت نکرده‌اند.

۴- مدعیان یقین و کمال دروغین که برای گریختن از زیر بار تکلیف به این توجیهات نادرست متوسل شده‌اند، آیا پیامبران و امامان را در قوت ایمان و توانایی درک احکام الهی، همتای خود نمی‌دانند و درکی بالاتر از آن دارند؟! —

۵- از آنجا که عبادت برای تربیت و تکامل است، تعطیل عبادت: به معنی تعطیل تربیت و تکامل است. آیا تربیت و تکامل انسان تعطیل‌بردار است؟! آیا تعطیل تربیت به معنی شروع فساد در جامعه نیست؟! و به فرض آن که کسی خود را اهل یقین و ایمان خود را به کمال بداند، آیا در یک جامعه فسادزده می‌تواند بر یقین و کمال خود باقی بماند و سیر قهقرایی نخواهد کرد؟! —

بنابراین آنان که گمان کرده‌اند هدف از تکلیف، تکمیل است و وقتی انسان به کمال رسید، بقاء تکلیف، بی‌معنی است، سخت در اشتباهند و اگر هنوز هم کسانی باشند که اینچنین بیندیشند باید از پندار نادرست خود توبه کنند.

در رساله قشیریه است که کسی به نزدیک جنید درآمد و گفت: از اهل معرفت

۱- قول مشهوری از امام علی عَلِيٌّ



گروهی اند که ترک اعمال بگویند. جفید گفت: این به نزدیک من بزرگ است و آن کس که دزدی کند و زنا کند، حال او نزدیک من نیکوتر از حال آن کس است که او این گوید و عارفان به خدای، کارها از خدای فراگیرند و رجوع با خدای کنند (اندر آن) و اگر من به هزار سال بزییم، از اعمال، یک ذره کم نکنم.<sup>۱</sup>

## آثار ترک نماز

### قرار گرفتن در مرتز کفر

یا

### داخل شدن در کفر

عبدالله بن میمون از امام صادق علیه السلام از پدرش از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

مَا بَيْنَ الْكُفْرِ وَالْإِيمَانِ إِلَّا تَرْكُ الصَّلَاةِ<sup>۲</sup>

میان کفر و ایمان فاصله‌ای جز ترک نماز نیست.

و از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

مَا بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَبَيْنَ أَنْ يَكْفُرَ أَنْ يَتْرُكَ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ يَتَهَاوَنَ بِهَا فَلَا يُصَلِّيَهَا<sup>۳</sup>

میان مسلمان و کافر شدنش فاصله‌ای جز ترک عمدی نماز یا مستی بی که به ترک آن متهی شود، وجود ندارد.

مردی بسوی پیغمبر رحمت صلی الله علیه و آله رفت و گفت: ای رسول خدا! مرا وصیت کن فرمود:

لَا تَدْعِ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَإِنَّ مَنْ تَرَكَهَا مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ مِلَّةُ الْإِسْلَامِ<sup>۴</sup>

نماز را از روی عمد و امگذار زیرا آن که نماز را از روی قصد رها کند، آیین مسلمانی

۱ - ترجمه رساله قشیریه، ص ۴۵۶ (باب معرفت)

۲ - وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۳ باب وجوب الصلوة، احادیث ۱، ۲ و ۳

۳ - وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۲۹، حدیث ۷ - همان مأخذ، حدیث ۵

از او بر طرف شود.

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند:

الْفَرْقُ بَيْنَ الْمُؤْمِنِ وَالْكَافِرِ الصَّلَاةُ فَمَنْ تَرَكَهَا وَادَّعَى الْإِيمَانَ كَذَّبَهُ فِعْلُهُ وَكَانَ عَلَيْهِ شَاهِدٌ مِنْ نَفْسِهِ.<sup>۱</sup>

جداکننده میان مؤمن و کافر نماز است. پس کسی که آن را رها کند و در عین حال ادعای ایمان کند، کارش ادعای وی را تکذیب کند و گواهی از خودش علیه او باشد. مردی به محضر امام صادق علیه السلام رسید و از گناهان بزرگ پرسید. آن حضرت گناهان کبیره را برشمردند و کفر را پیش از گناهان دیگر ذکر فرمودند. مرد گفت: ای فرزند فرستاده خدا! از ترک نماز سخنی به میان نیاوردید؟ امام علیه السلام فرمودند:

تَرَكَ الصَّلَاةَ دَاخِلٌ فِي الْكُفْرِ<sup>۲</sup>

ترک نماز داخل در کفر است.

بنابراین ترک نماز، نخستین گناه کبیره و در حد کفر است، و در صورتی که از روی انکار نماز باشد، خود کفر است.

با توجه به احادیث مذکور در فوق و آنچه در موضوع بعد خواهد آمد، استکبار، ریشه کفر، و ترک نماز، مصداق کفر و استکبار، و از گناهان بزرگ است. عبیدبن زراره گفته است: از امام صادق علیه السلام درباره گناهان کبیره پرسیدم، در پاسخ فرمود: آنها در کتاب علی علیه السلام هفت است:

۱- کفر به خدا.

۲- قتل نفس.

۳- آزار رساندن به پدر و مخالفت با او.

۴- رباخواری پس از علم به حرمت آن.

۵- خوردن مال یتیم به ناحق.

۶- گریختن از جبهه جهاد.

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۹۵

۲- بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۲۶

۷ - تعزب پس از هجرت.

گفتم: اینها بزرگترین گناهانند؟ فرمود: آری. گفتم: خوردن یک درهم مال یتیم از روی ستم، بزرگتر است یا ترک نماز؟ فرمود: ترک نماز. گفتم: شما ترک نماز را در شمار کبایر نیاوردید. فرمود: آن که نخست برایت گفتم چه بود؟ گفتم: کفر. فرمود: برآستی که تارک نماز، کافر است؛ یعنی ترک بی سبب.<sup>۱</sup>

## تنگی معیشت

و

## کوری بصیرت

خدای، تعالی، به فرزندان آدم فرمود:

... بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَأَمَّا يَا تَيْتَانُكُم مِّنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى. وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا، قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى. وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى<sup>۲</sup>

برخی از شما (فرزندان آدم) دشمن بعض دیگر خواهد بود. پس اگر از جانب من هدایتی به شما رسد، آن که از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می شود و نه در رنج خواهد بود. و هر کس از یاد من روی گرداند، زندگی تنگ و سختی خواهد داشت و او را روز قیامت نابینا وارد محشر می کنیم؛ می گوید: پروردگارا! چرا من را نابینا وارد محشر کردی؟ من که بینا بودم. می فرماید: این به خاطر آن است که آیات ما به تو رسید و تو آنها را به فراموشی سپردی. امروز نیز، تو واگذاشته خواهی شد. و این گونه جزا می دهیم کسی را که اسراف کند و ایمان به آیات پروردگارش نیاورد و عذاب آخرت سخت تر و پاینده تر است.

با توجه به آن که نماز، ذکر خداست از آیات فوق چند نکته را می توان بدست

۱ - اصول کافی، کتاب ایمان و کفر، باب گناهان کبیره، حدیث ۸ (ترجمه از نگارنده است).

۲ - قرآن، ۲۰ / طه، ۱۲۳ تا ۱۲۸

آورد:

۱ - نماز، همان خطّ فلاح و هدایت است که هر که از آن پیروی و در آن حرکت کند، نه گمراه می‌شود و نه در رنج خواهد بود.

۲ - نماز، ایجاد وحدت و دوستی می‌کند و مردم را از رنج و دشمنی با هم و پیامدهای دردناک آن رها می‌سازد.

۳ - آن که از نماز و یاد خدا روی برتابد، خدا او را در این جهان دچار معیشت تنگ می‌سازد.

۴ - بی‌نماز، کور وارد محشر می‌شود و از دیدن نعمت‌های پروردگار و مقام قرب او محروم است.

۵ - بی‌نمازی شخص، موجب بی‌اعتنایی خدا به او می‌گردد.

۶ - بی‌نمازی، اسراف در گناه است و اسراف‌کننده در گناه، مستوجب عذاب سخت و همیشگی است.

**تنگی معیشت چیست؟** گاهی انسان به هر جا که روی می‌کند، موانع را مرتفع، مشکلات را حلّ شده، مقدمات کار را فراهم و درها را گشوده می‌بیند. از این وضعیت به «وسعت زندگی» تعبیر می‌شود و بعضی از اوقات به هر کاری که دست می‌زند، موانع و مشکلات فراوان را سرراه خود می‌بیند و با درهای بسته روبرو می‌گردد.

از این حال به «**تنگی معیشت**» تعبیر می‌شود. منظور از «**معیشت ضنک**» که در آیات فوق آمده است، همین است. بنابر این تنگی معیشت، کمی درآمد و ثروت نیست. چه بسیارند کسانی که درآمد و ثروت انبوه دارند، لیکن بخل و آز، زندگی را بر آنان تنگ می‌کند. نه تنها فیض به دیگران نمی‌رسانند بلکه زندگی را بر خودشان نیز سخت می‌گیرند و از آنچه دارند بهره نمی‌برند و به فرموده علی (علیه السلام) همچون فقیران زندگی می‌کنند و مانند ثروتمندان حساب پس می‌دهند. آیات فوق، عامل اصلی این تنگناها را روی گردانی از یاد خدا می‌داند. و ترک نماز، اعراض از یاد خداست.

حکیم نظامی گنجوی معتقد است: آن که اهل ذکر خداست، خدا اندیشه‌اش را تابناک و رهنما می‌سازد و با اعطای اندیشه رهنما، نکته‌های کارگشا به ذهن

وی القا می‌کند اما سری که از یاد خدا تهی است و اهلیت سجده بر آستان حضرت حق را از کف داده است، پیوسته با درهایی که به سختی بسته است روبرو می‌گردد و باید توفیق و درهای گشوده را از او بدانیم و اندیشه خویش و وسایط دیگر را نقشبندان او و کارگزاران او بشماریم.

تو نزادی و آن دیگر زادند	تو خدایی و آن دیگر بادند
به یک اندیشه راه بنمایی	به یکی نکته کار بگشایی
و آن که ناهل سجده شد سر او	قفل بر قفل بسته شد در او

### نظامی<sup>۱</sup>

وقتی که انسان خدا را فراموش می‌کند، مسؤولیت‌های خود را هم فراموش می‌کند و در حرص و شهوت، غرق می‌گردد. در نتیجه، اخلاق نیک، غنای روحی و معنویت را از دست می‌دهد. آنچه سبب تنگی معیشت می‌گردد، همین نبودن غنای روحی، کمبودهای معنوی، عدم اطمینان به آینده، ترس از نابود شدن امکانات موجود، و وابستگی بیش از حد به جهان ماده است.

همچنان که افراد به سبب عملکرد خود دچار «معیشت ضنک» می‌شوند، جامعه‌ها نیز به خاطر رفتار خود گرفتار تنگی و روزگاران سخت می‌گردند. جوامعی که علی‌رغم پیشرفت‌های شگفت‌انگیز علمی و صنعتی و برخورداری از امکانات رفاهی، در اضطراب شدید بسر می‌برند، خود را در تنگناهای عجیبی گرفتار و محبوس می‌بینند. نبودن امنیت اجتماعی، عدم اعتماد مردم به یکدیگر، کثرت جنایتهای هولناک، آلودگی به مواد مخدیری مختلف، ساخت و نگهداری تسلیحات پیشرفته و گوناگون که هزینه‌های سنگین را بر دولت‌ها و ملت‌ها تحمیل می‌کنند، پر بودن زندانها، رواج فحشا و منکرات، وجود باندهای سرفت و آدم ربایی، از میان رفتن پیوندهای عاطفی، قساوت و بی‌رحمی و دیگر عوامل نکبت‌بار ناشی از خدا فراموشی، زندگانی سختی را برایشان فراهم کرده است و آرامش و نشاط سعادت‌بخش را از آنان گرفته است تا آنجا که بازنده مسابقه انجیل خوانی هم برنده را به قتل می‌رساند.



اری، بی‌نمازان و خدا فراموشان، هر اندازه پیشرفتهای علمی و صنعتی بدست آورند، باز هم زندگانی خالی از خوشبختی واقعی و فروغ معنوی دارند و هر اندازه خود را با موزیک‌ها و آهنگ‌های مهیج به رقص و طرب وادارند، حقیقت سعادت را نمی‌چشند و در کوچه‌ای تنگ و تاریک می‌دوند، کوچه‌ای که در انتهایش چیزی جز اضطراب و تاریکی نیست.

آقای «الکسیس کارل» می‌گوید: در نظر ما غربیها، جناب عقل را درگاه بسی بالاتر از عشق است. ما داشتن نیروی دماغی را بر قدرت مکاشفه و احساس، ترجیح می‌دهیم. علم می‌درخشد در صورتی که مذهب به فراموشی می‌گراید. ما از دکارت پیروی می‌کنیم اما پاسگال را رها کرده‌ایم، ما همچنان در توسعه و تقویت قدرت مغزی خود می‌کوشیم اما کوششهای معنوی و روحی؛ مانند: احساس اخلاقی و احساس عرفانی، از تکامل باز ایستاده‌اند. ضعف این غرایز عمیق، بصیرت انسان متجدد را کور کرده است. یک چنین نقصی به او میدان نمی‌دهد که برای ساختمان بنای اجتماع، بتواند عنصر شایسته‌ای به شمار آید.

این یک حالت بسیار ناپسندی است که باید از تمدن ما کاملاً ریشه کن گردد، معنویت در موضوع کامیابی و توفیق در حیات، خود را هم ارز تعقل نشان می‌دهد. بسیار ضروری است که آن نیروهای معنوی را که به مراتب بیش از نیروهای دماغی در تقویت و تکامل شخصیت و فطرت، مؤثر است دوباره احیا کنیم و رونق بخشیم. احساس عرفانی، غالباً در نیایش، تجلی می‌کند.<sup>۱</sup>

آیات فوق، کوری روی تابندگان از یاد خدا را در قیامت، ناشی از آن دانسته است که آنان خدا را، در این جهان، کوردلانه مورد بی‌توجهی قرار داده‌اند و فراموش کرده‌اند و این بدان معنی است که نابینایی بی‌نمازان، چیزی نسبت که منحصر به زندگانی این جهانشان باشد و پیوسته استمرار خواهد داشت. برعکس، نمازگزاران و ذاکران حقیقت‌بین، در آنجهان نیز صاحب چشم بینا و قادر به رؤیت روضه رضوانند.

۱ - الکسیس کارل: نیایش، ترجمه دکتر علی شریعتی، ج ۸ از مجموعه آثار شریعتی، ص ۱۵ و ۱۶



## عصیّت

و  
گروه‌گرایی

چنان که پیش از این گفته شد، نماز، مصداقی از مصادیق (حَبْلُ اللَّهِ) است و تا وقتی که مسلمانان به ریسمان خدا چنگ زنند، متفق و متحدند و از بلای تفرقه در امان می‌مانند. همچنان که نماز ایجاد تواضع و وحدت می‌کند، ترک نماز زمینه‌ساز تعصب و تفرقه می‌شود.

وقتی که مسلمانان، نماز و نمازگاه را که سنگر اتحاد و وحدت است، نگه می‌دارند و صفوف نماز را بزرگتر و فشرده‌تر می‌سازند، در حقیقت، رشد فرهنگی و اعتقادی خود، و تمدن عالی اسلام را به نمایش می‌گذارند، برعکس هنگامی که افراد جامعه‌ای بر اثر خدا فراموشی، بی‌نمازی، کاهل نمازی، جهل به نماز، عدم نیایش و قطع ارتباط با خدا، گرفتار خود بزرگ بینی، تفاخر، تکاثر، عصیّت، گروه‌گرایی، تفرقه و برادر کشی می‌گردند، نابخردی، عقب افتادگی و ضعف فرهنگی و بی‌دینی خود را به جهانیان نشان می‌دهند.

امام صادق (ع) فرمود:

مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تَعَصَّبَ لَهُ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ<sup>۱</sup>

هر که تعصب ورزد یا برایش تعصب ورزند، رشته ایمان را از گردن خود باز کرده است.

و امام علی (ع) به الحسین (ع) در معنای عصیّت فرمود:

الْعَصِيَّةُ الَّتِي يَأْتُمُ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا أَنْ يُرَى الرَّجُلُ شَرَّارَ قَوْمِهِ خَيْرًا مِنْ خِيَارِ قَوْمِ آخَرِينَ وَ لَيْسَ مِنَ الْعَصِيَّةِ أَنْ يُعِينَنَّ قَوْمَهُ عَلَى الظُّلْمِ<sup>۲</sup>

تعصبی که صاحبش از آن گناهکار می‌شود این است که بدان تیره و تبار خود را از نیکان دیگران بهتر و برتر شمارد. این که کسی تیره و تبار خود را دوست بدارد،

۱ - اصول کافی، کتاب الايمان و الكفر، باب العصیة

۲ - مأخذ اخیر.

تعصب نیست. تعصب؛ این است که آنان را بر ستم یاری دهد. امام علی (علیه السلام) در خطبه قاصعه، کوفیان را به خاطر پراکنده گشتن و کنار نهادن اخوت اسلامی که در واقع به روی در افکندن اسلام و احیای فرهنگ جاهلی است، نکوهش کرد، کار آنان را پیروی از ابلیس، پیشوای متعصبان، دانست و از آنان خواست که به جای پیروی از پدران دوره جاهلی و پای نهادن بر پایجای شیطان مستکبر و بی نماز، از پیامبران که با بندگان خدا فروتنند و سجده گزاران آفریدگار و خنثی کنندگان کار شیطانند، پیروی کنند.

## گستاخی شیطانها

نماز، دیوار بلندی در برابر شیطانهاست. و فرد و جامعه نمازگزار را از حمله و آسیب آنان نگاه می دارد. این دژ استوار برای آنان بیم آور و نگرانی زاست لیکن تضييع و تخریب دیوار نماز، فروریختن این حصن حصین، شیاطین را امیدوار و گستاخ می سازد و جرأت می دهد که بر اهل نماز یورش برند.

فرستاده خدا (سبحانه و تعالی) فرمود:

لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ ذَعِرًا مِّنْ أَمْرِ الْمُؤْمِنِ مَا حَافِظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فَأَذَا ضَيَّعَهُنَّ اجْتَرَأَ عَلَيْهِ. ۱

تا زمانی که مؤمن مراقب نمازهای پنجگانه می باشد، شیطان پیوسته از کار وی نگران و بیمناک است. اما به محض آن که آنها را تباه کند، نگرانی اش زایل می گردد و بر او گستاخ می شود.

لذا در طول تاریخ یکی از برنامه های شیاطین؛ مبارزه با نماز بوده است و چون نماز، علاوه بر جنبه های عبادی و سیاسی، دارای بُعد فرهنگی است، از راه فرهنگ با آن مقابله کرده اند و می کنند. و امروز ابزار رزم و هجوم فرهنگی آنان؛ قلم، کتاب، رمان، رادیو، تلویزیون، و نشریه و ماهواره است.

از سمومی که شیاطین برای فلج کردن اخلاق و فرهنگ انسانی و اسلامی منتشر می کنند، بهره یزیم و برای پیشگیری از چنین فلجی از واکنش نماز نیز که

باید در هر شبانه‌روز پنج نوبت تزریق شود، استفاده کنیم.

## پستی و ذلت

خدای، تعالی، در سوره حج فرمود:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالذَّوَابُ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ مَنْ يَهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ<sup>۱</sup>

آیا نمی‌بینی که هرکس و هر چه در آسمانها و زمین است و خورشید، ماه، ستارگان، کوهها، درختان، جنبندگان و بسیاری از مردمان خدا را می‌پرستند و برایش سجده می‌کنند؟ و بسیارند کسانی که به خاطر عدم نیایش و پرستش پروردگار، عذاب بر آنان ثابت شده است و هر که را خدا خوار کند، هیچ اکرام‌کننده و عزت‌بخشنده‌ای برایش نیست.

در این آیه خدای، تعالی، تصریح فرموده است که عدم نیایش به خدا و پرستش، موجب ذلت و خواری است آن هم ذلتی که از سوی خدا برایش مقرر شده است. به لحاظ آن که جامعه هم متشکل از افراد است اگر به نیایش و پرستش خدا پشت کند به چنین سرنوشتی دچار خواهد شد.

## سقوط و اسارت

بر اقامه نماز، نتایج نیکوی فراوان، مترتب است که برخی از آنها را بیان کردیم. به نظر آقای «کارل» یکی از شرور ناشی از فقدان نیایش در میان یک ملت، سقوط آن ملت است، بر اساس بینش آقای «کارل»، فیزیولوژیست معروف فرانسوی که یک نظر تحقیقی و خردمندانه است، می‌توانیم بگوییم: بی‌نمازی، پذیرش بند اسارت بیگانه و مقدمه سقوط قطعی یک ملت اسلامی است. و نماز، برج و بارویی است که جامعه‌های مسلمان را از حملات و آسیب‌های شیطان حفظ می‌کند و این سخن پیشوای هوشیار مؤمنان، علی (علیه السلام) است:

الصَّلَاةُ حِضْنٌ مِنْ سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ<sup>۱</sup>

و همان بزرگوار فرمودند:

الصَّلَاةُ تُسَوِّدُ وَجْهَ الشَّيْطَانِ<sup>۲</sup>

نماز، شیطان را سیه روی می کند.

«آلکسیس کارل» می گوید: «گویا هنگام نیایش، خدا به انسان گوش می دهد و به او جواب می گوید، آثار نیایش، واهی و خیالی نیست. نباید احساس عرفانی را تا سطح اضطراب یک انسان در برابر خطرات و مجهولات جهان، پایین آورد. و نیز نباید از نیایش به آسانی، یک شربت مسکن، یک داروی ضد ترس، ترس از درد و بیماری و مرگ، تهیه کرد. تقریباً در تمام ادوار، مردم غرب و نه تنها مردم غرب بلکه همه مردم دنیا نیایش کرده اند و می کنند.

جامعه قدیم اروپا اصولاً یک سازمان مذهبی بود، «رومی ها» همه جا معابد را بر پا می داشتند. اجداد قرون وسطای ما سرزمین مسیحیت را با کلیسای بزرگ و «محرابه های گوتیک» می پوشاندند. در زمان ما هنوز بر فراز هر دهکده ای ناقوسی برپاست. مهاجرانی که از اروپا آمده اند، نه تنها با دانشگاهها، و با کارخانه ها بلکه به وسیله کلیساها نیز در قاره جدید «آمریکا» تمدن غربی را برپا کرده اند.

در طول تاریخ ما، نیایش در شمار احتیاجات اولیه قرار داشته است. چنین به نظر می رسد که احساس عرفانی جنبشی است که از اعماق فطرت ما سرچشمه گرفته است. تغییرات و تحولات این احساس، همواره با تحولات و فعالیت های باطنی دیگر همچون احساس زیبایی بستگی دارد. این احساس، جزء بسیار مهمی از هستی ماست که اجازه دادیم به ضعف گراید و غالباً به کلی نابود شود. وقتی اجازه می دهیم چند فعالیت اصیل که جزئی از سازمان فیزیولوژیکی، فکری و عاطفی انسان بشمار می رود در ما بمیرد، دست به یک ریسک خطرناک زده ایم. عدم رشد عضلات، اسکلت و فعالیت های حیاتی در مردمی که صاحب نیروی عقلی هستند به همان قدر شوم و بدفرجام است که ضعف قوای عقلی و احساس اخلاقی

۱ - غررالحکم و دررالکلم، رقم ۲۲۳۶ و میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۶۷

۲ - غررالحکم



در میان ورزشکاران و پهلوانان. احساس اخلاقی که با احساس مذهبی و نیایش پیوند مستقیم دارد.

نمونه‌های بسیاری از خانواده‌های پرزاد و ولد و نیرومند هستند که به خاطر عدم ارتباط با خدا و فقدان احساس اخلاقی، جز ثمره معیوب به بار نمی‌آورند و یا رو به انقراض می‌روند. پس از اضمحلال عقاید اجدادی و محو احترام و تعصب به عادات و رسوم خانوادگی با یک تجربه سخت دردناک و تلخ آموختیم که: نبودن احساس اخلاقی در میان اکثریت عناصر فعال یک ملت، زمینه زوال قطعی آن ملت و انقباد آن در بند بیگانه را فراهم می‌کند. سقوط یونان قدیم معلول چنین عاملی بوده است. اضمحلال فعالیت‌های فکری و روحی که سرشت ما خواهان آن است با مسأله توفیق در زندگی مغایرت دارد.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام فرمودند: از هر کاری که مهره پشت پیشینیان را شکست و توانشان را سست کرد و گسست، دوری کنید و به هر آنچه ارجمندی را به حالشان پیوست پایبند شوید.<sup>۲</sup>

## نومیدی از رحمت حق

اگر کشاورزی همه قوانین کشاورزی را مراعات کند و انتظار برداشت داشته باشد، این «رجای سالم» است. اگر گاهی کوتاهی کرده‌است و باز هم امید محصول دارد، این «أمل» است. اگر به کلی مقررات را زیر پا گذاشته و امید محصول دارد این «أمنیه و خیال» است و اگر جو بکارد و آرزوی برداشت گندم کند، این «حماقت» است.

کسی که اصول دین را قبول دارد و به فروغش عمل می‌کند، باید به لطف خدا امیدوار باشد، در بعضی از ادعیه می‌خوانیم:

إِنَّ لَنَا أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا

خداوندا! آرزوی دراز و امید فراوان به عفو تو داریم

۱ - مجموعه آثار دکتر علی شریعتی، ج ۸، ص ۲۸

۲ - نهج - خ ۲۳۴ / القاصه، بند ۴۰ و ۴۱ (ترجمه نگارنده)

و آن که اصول را قبول دارد و در عمل به فروع، کوتاهی می کند هم می تواند امید بزرگی به خدا داشته باشد:

إِنَّ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا

اما کسی که مقررات دین و بویژه نماز را زیر پا گذاشته است، نباید به لطف خدا امید بندد، چنین امیدی (أَفْنِيَّة)؛ یعنی آرزوی لغو و بیهوده‌ای است. خدای، تعالی فرمود:

يَلْكَ أَمَانِيَهُمْ<sup>۱</sup>

آن آرزوهای بیجای اهل کتاب است.

و اگر اعمالش ضد احکام قرآن و اسلام است و امید رحمت دارد، این «حماقت» است، چون توقع دارد که خدا به خاطر او نظام هستی را درهم بریزد. کسی که جو کاشته است، باید بداند که گندم درو نخواهد کرد.

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ<sup>۲</sup>

سرانجام خوب، از آن نمازگزاران پرهیزکار است.

خدانشناسان بی نماز از لطف و رحمت حق، محروم‌اند.<sup>۳</sup> همچنان که شیطان مستکبر، ترک نماز کرد، از امر خدا تخلف نمود و از درگاه او رانده شد و چون برای همیشه از رحمت حق مأیوس شد او را ابلیس نامیدند. شاعری در مقایسه شیطان و بی نماز گفته است:

شیطان که رانده شد بجز یک خطا نکرد خود را برای سجده آدم رضا نکرد  
شیطان هزار مرتبه بهتر از بی نماز او سجده بر آدم بر خدا نکرد  
نماز، درسهای زیادی را به صراحت یا به کنایت به نمازگزاران می آموزد، و آگاهیها و بینشهای زیادی را در اختیارشان می گذارد و هر نمازگزاری کم و بیش، و به تناسب سطح نماز خویش، از تعالیم، و آثار و برکات آن برخوردار می گردد، همچنان که جامعه‌های نمازگزار از آنها بهره‌مند می شوند. اما بی نمازان و جوامع بی نماز، نه تنها از تعالیم، فواید، و آثار نیکوی نماز که در فصول گذشته به برخی

۱ - قرآن، ۲۰ / البقره، ۱۰۵

۲ - قرآن، ۷۰ / الاعراف، ۱۲۵

۳ - با استفاده از کتاب یکصد و چهارده. تألیف آقای محسن قرائتی، ص ۳۲. به نقل از اسرار الصلوة ملکی



از آنها اشاره شد، محروم می‌مانند بلکه از مضار و آثار منفی بی‌نمازی آسیب می‌بینند. و تقریباً در مقابل هر فایده‌ای که برای نماز مطرح شود، می‌توان زیان متقابلی را برای بی‌نمازی عنوان کرد.

## از دست دادن شرط آدمیت

بی‌نماز، بی‌ادب است و از آدمیت و معرفت، دور است. بی‌سبب نیست که در آغاز این دفتر اشعاری از نظامی گنجوی در باب معرفت گنجاندم و پایان بخش آن را داستانی از سعدی، علیه الرحمه، در شرط آدمیت آوردم:

حکایت: یاد دارم که شبی در کاروانی همه شب رفته بودم و سحر در کنار بیشه‌ای خفته، شوریده‌ای که در آن سفر همراه ما بود، نعره‌ای برآورد و راه بیابان گرفت و یک نفس، آرام نیافت. چون روز شد، گفتمش: آن چه حالت بود؟ گفت ببلان را دیدم که به نالش درآمده بودند از درخت و کبکان از کوه و غوکان در آب و بهایم از بیشه، اندیشه کردم که مرّوت نباشد همه در تسبیح و من به غفلت خفته.<sup>۱</sup>

دوش مرغی به صبح می‌نالید	عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش
یکی از دوستان مخلص را	مگر آواز من رسید به گوش
گفت باور نداشتم که تو را	بانگ مرغی چنین کند مدهوش
گفتم این شرط آدمیت نیست	مرغ، تسبیح‌گوی و من خاموش

سعدی<sup>۲</sup>

## مرگ دل

در قرآن و روایات اسلامی از مرگ دل، تعبیر به مهر خوردن آن یا طبع و ختم الهی شده است. مهر خوردن دل به معنی بسته شدن درهای قلب و محرومیت آن از ورود معنویات است. مهر خوردن قلب، بی‌مقدمه نیست. قلب

۱ - کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، ج ۱، ۱۳۵۶، انتشارات امیرکبیر، ص ۸۴

۲ - کلیات سعدی.

ممه‌ور شده، ابتدا زنگار گرفته است و سپس دچار قساوت شده است و تشدید قساوت به ممه‌ور شدنش منتهی شده است.

ترک مطلق عبادات، موجب تیرگی و قساوت است. کاهل نمازی، موجب قساوت قلب و بی‌نمازی، باعث مرگ آن می‌گردد.

سعدی، علیه الرّحمه، در مجلس چهارم می‌نویسد:

مهران میمون، گوید: وقتی به سلام عمر عبدالعزیز شدم... گفت... ای میمون!

سه وصیت از من بشنو، و به قلم نیاز بر تخته جان نقش کن و پیوسته در پیش دل دار که نجات و عزت و شرف در آن است: در نماز، تقصیر مکن که بی‌نمازی را در دو جهان قیمت نیست و با هیچ ظالم در هیچ کار موافقت مکن که یاری ظالمان جز عقوبت نیست و خدا را به وعده آن استوار بدار که همت به رزق، ایمان ببرد.<sup>۱</sup>

ترک عمدی نماز و اعراض از خدا، کفر است و کفر، مرگ دل است؛ همچنان که نماز و ارتباط با خدا، ایمان است و ایمان، حیات قلب و روح انسان است.

## وراثت دوزخ

قرآن در سوره مدثر، چهار عامل جرم را برای دوزخی شدن افراد، ذکر می‌کند.

وقتی که بهشتیان از مجرمان می‌پرسند، چه چیز شما را به دوزخ درآورد، می‌گویند: «از نمازگزاران نبودیم، مستمندان را طعام نمی‌کردیم؛ یعنی زکات واجب مال خود را نمی‌دادیم، با اهل باطل همنشین و همصدا بودیم، روز حساب را دروغ می‌شمردیم و به این رفتار خود ادامه دادیم و توبه نکردیم تا مرگمان فرارسید.»

بنابراین، درآمدن به دوزخ، اثر و نتیجه علل و عواملی است که بی‌نمازی در رأس آنها قرار دارد، زیرا همچنان که نماز، رأس ایمان است، بی‌نمازی، رأس کفر و بی‌دینی است.

از این آیات، می‌فهمیم که اولاً؛ همچنان که کفار، مکلف به اصول دین

هستند، به فروع دین نیز موظفند. ثانیاً امور چهارگانه «نماز»، «زکات»، «ترک مجالس اهل باطل» و «ایمان به قیامت»، اهمّیت و نقش درخوری در هدایت و تربیت دارد. ثالثاً؛ دوزخ، جای نمازگزاران واقعی، زکات دهندگان، تارکان باطل و مؤمنان به قیامت نیست.<sup>۱</sup>

## آثار ترک نماز جمعه

- ۱- پریشانی و پراکندگی
- ۲- رفع برکت
- ۳- حبط اعمال
- ۴- محرومیت از درک ساعت استجاب دعا
- ۵- طبع و ختم الهی
- ۶- خوار و خرد شدن و به دوزخ درآمدن

جابر بن عبدالله انصاری گفته است:

رسول خدا ﷺ برای ما سخنرانی کرد و فرمود:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ! تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا وَبَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ قَبْلَ أَنْ تُشْغَلُوا. وَصَلُوا الَّذِي بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ رَبِّكُمْ بِكَثْرَةِ ذِكْرِكُمْ لَهُ وَكَثْرَةِ الصَّدَقَةِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ. تَزَرَّقُوا وَتُنْصَرُوا وَتُجْبَرُوا. وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ قَدْ افْتَرَضَ عَلَيْكُمُ الْجُمُعَةَ فِي مَقَامِي هَذَا، فِي يَوْمِي هَذَا فِي شَهْرِي هَذَا، مِنْ عَامِي هَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

فَمَنْ تَرَكَهَا فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدِي وَلَهُ إِمَامٌ عَادِلٌ أَوْ جَائِزٌ اسْتُخْفَافاً بِهَا أَوْ جُحُوداً لَهَا فَلَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ شَمْلَهُ وَلَا بَارَكَ لَهُ فِي أَمْرِهِ. أَلَا! وَلَا صَلَاةَ لَهُ وَلَا زَكَاةَ لَهُ وَلَا حَجَّ لَهُ وَلَا صَوْمَ لَهُ وَلَا بِرَّ لَهُ حَتَّى يَتُوبَ. فَمَنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ.<sup>۲</sup>

ای مردم! پیش از آن که بمیرید، بسوی خدا برگردید و پیش از آن که مشغول شوید، به

۱- با استفاده از تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۲۵۵

۲- سنن ابن ماجه، باب ۷۸ (باب فرض الجمعة من السنن)، حدیث ۱۰۸۱.

کارهای شایسته بشتابید و با بسیاری یاد خدا و صدقه دادن بسیار در نهان و آشکار، میان خود و او رابطه برقرار کنید تا روزی داده شوید، یاری شوید، و شکستگی کارهایتان جبران شود. و بدانید که به تحقیق خدای، تعالی، نماز جمعه را در همین جا که ایستاده‌ام، و در همین روز و در همین ماه و از همین سال تا روز قیامت بر شما فرض کرده است. پس هر که آن را در حیات یا در ممات من از روی استخفاف یا انکار آن ترک کند، خدا پریشانی و پراکندگی اش را فراهم نیاورد و در کارش برکت نهد.

هان! برای چنین کسی نه نمازی است، نه زکاتی، نه حجی، نه روزه‌ای، و نه کار نیکوی دیگری تا آن که از کار خود به خدا باز آید پس آن که به سوی خدا برگردد، خدا هم به سوی او باز آید و توبه اش را قبول کند.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نیز در یکی از خطبه‌های نماز جمعه فرمود:

أَلَا إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ يَوْمٌ جَعَلَهُ اللَّهُ لَكُمْ عِيداً وَهُوَ سَيِّدُ أَيَّامِكُمْ وَأَفْضَلُ أَعْيَادِكُمْ وَقَدْ أَمَرَكُمْ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِالسَّعْيِ فِيهِ إِلَى ذِكْرِهِ فَلْتَعْظُمِ رَغْبَتُكُمْ فِيهِ وَلْتَخْلُصْ نِيَّتُكُمْ فِيهِ وَأَكْثِرُوا فِيهِ التَّضَرُّعَ وَالِدُّعَاءَ وَمَسْأَلَةَ الرَّحْمَةِ وَالْغُفْرَانِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، يَسْتَجِيبُ لِكُلِّ مَنْ دَعَاهُ وَيُورِدُ النَّارَ مَنْ عَصَاهُ وَكُلَّ مُسْتَكْبِرٍ عَنِ عِبَادَتِهِ قَالَ اللَّهُ، عَزَّ وَجَلَّ: إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ وَفِيهِ سَاعَةٌ مُبَارَكَةٌ لَا يُسْأَلُ اللَّهُ، عَزَّ وَجَلَّ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ فِيهَا شَيْئاً إِلَّا أُعْطَاهُ. ۱

آگاه باشید! جمعه روزی است که خدا آن را برای شما عید قرار داده است. جمعه سرور روزها و برترین عیدهای شماست. هر آینه خدا شما را در کتابش مأمور کرده است به این که در آن به سوی ذکرش (نماز و خطبه جمعه) بشتابید.

پس باید رغبت شما به عبادت و نماز جمعه بزرگ باشد و باید که نیت شما در آن خالص باشد. در این روز فراوان زاری و نیایش کنید. نیازهای خود را از او بخواهید و رحمت و آمرزشش را طلب کنید زیرا خدای، عز و جل، دعای هر کس را که او را به حقیقت بخواند، اجابت می‌کند و هر کس را که استکبار ورزد و از بندگی و



فرمانبرداریش امتناع کند، وارد دوزخ می‌کند.

خدای، تعالی، فرمود: محققاً آنان که از اطاعت من سرکشی کنند به خواری به دوزخ درآیند و در آن لحظه فرخنده‌ای است که هیچ بنده مؤمنی در آن چیزی را از خدای، عز و جل، نمی‌خواهد مگر آن که آن را به او عطا می‌کند.

آن حضرت در دنباله همین سخنان فرموده‌اند:

وَالْجُمُعَةَ وَاجِبَةً عَلَيَّ كُلِّ مُؤْمِنٍ إِلَّا عَلَى الصَّبِيِّ وَالْمَرِيضِ وَالْمَجْنُونِ وَالشَّيْخِ الْكَبِيرِ وَالْأَعْمَى وَالْمُسَافِرِ وَالْمَرْأَةِ وَالْعَبْدِ الْمَمْلُوكِ وَمَنْ كَانَ عَلَيَّ رَأْسٌ فَرَسَخَيْنِ.

و نماز جمعه بر هر مؤمنی، جز کودک، بیمار، دیوانه، پیر فرتوت و ناتوان، نابینا، مسافر، زن، بنده مملوک، و کسی که در سر دوفرسخی باشد، واجب است.

قبلاً گفته شده که ترک نماز، موجب مهر خوردن قلب و مرگ آن می‌گردد، و ترک نماز جمعه نیز چنین پیامدی دارد. نماز جمعه‌ای که برخی آن را به خاطر مستحبت بودنش مهم نمی‌شمرند.

از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده است که

مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جُمُعٍ تَهَاوَنًا طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ<sup>۱</sup>

کسی که سه بار نماز جمعه را از روی اهمیت ندادن به آن رها سازد، خدا بر دلش مهر می‌زند.

در روایت دیگری تارک جمعه را منافقی دانسته‌اند که نفاقش باعث مهر خوردن قلبش شده است:

مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جُمُعٍ مُتَعَمِّدًا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ بِخَاتَمِ النِّفَاقِ<sup>۲</sup>

کسی که سه بار متوالی، نماز جمعه را از روی عمد و بدون علت، رها کند، خدا با انگشتری نفاق، بر دلش مهر می‌زند.

و از امام صادق ﷺ نقل کرده‌اند که فرمود:

مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ ثَلَاثًا مُتَوَالِيَاتٍ بِغَيْرِ عِلَّةٍ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ<sup>۳</sup>

۱- کنز العمال، حدیث ۲۱۱۲۳ و وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶، حدیث ۲۵

۲- وسائل الشیعه، ج ۲، حدیث ۲۶

۳- مأخذ اخیر، ص ۴، حدیث ۱۱



آن که سه آدینه پی در پی و بدون علت، ترک نماز جمعه کند، خدا بر دلش مهر می نهد.

شرکت نکردن در نماز جمعه؛ به معنی بی‌اعتنایی به امر پروردگار، اسلام، کشور و امت اسلام است و برآستی که یک قلب مرده می‌تواند نسبت به خالق خود و سرنوشت خویش و کیش و همکیش و کشور خود اینگونه بی‌تفاوت و بی‌اعتنا باشد؛ چیزی که مطلوب دشمن و تأمین‌کننده منافع اوست. و از این روست که دشمنان برای تعطیل این اجتماع بزرگ سیاسی - عبادی به تهدیدها و حيله‌ها متوسل شده‌اند و می‌شوند و از همینجاست که خدای، تعالی، دوستدار مؤمنان، آنان را به شتافتن بسوی نماز جمعه که یاد اوست تشویق و ترغیب می‌کند. و رسول خدا فرمودند:

مَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ حَتَّى تَفُوتَهُ مِنْ غَيْرِ عَذْرِ فَقَدْ حَبَطَ عَمَلُهُ.<sup>۱</sup>

کسی که نمازش را بدون عذر رها کند تا وقت آن بگذرد عملش را فروریخته و از درجه اعتبار ساقط کرده است.

## بازداشتن از نماز جمعه

بازداشتن دیگران از شرکت در نماز جمعه ممنوع و مذموم است و بازدارنده از آن گنهکار است.

امام صادق (ع) فرمود:

... وَمَنْ اسْتَأْجَرَ أَجِيراً ثُمَّ حَبَسَهُ عَنِ الْجُمُعَةِ يَبُوءُ بِأَثْمِهِ وَإِنْ هُوَ لَمْ يَحْبِسْهُ  
إِشْتَرَكَ فِي الْأَجْرِ<sup>۲</sup>

آن که مزدوری را در روز جمعه بکار گیرد و او را از شرکت در نماز جمعه بازدارد، به گنهکاری خود اعتراف کرده است و عقوبتش را گردن نهاده است. و چنانچه او را از نماز جمعه بازندارد، در پاداش شریک اوست.

۱ - بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۰۳ و میزان الحکمة، ج ۵، ص ۴۰۳  
۲ - وسائل الشیعه، مجلد ۱۳، ص ۲۴۵، روایت ۲۴۲۴۷، (باب کراهة استعمال الاجیر قبل تعیین اجرتہ و عدم جواز منعه من الجمعة).

ستاد اقامه نماز

ناشر نمونه نهجین و دهجین نمایشگاه بین المللی کتاب



ستاد اقامه نماز

ناشر: ستاد اقامه نماز

قیمت: ۱۲۰۰۰ ریال

مراکز پخش:

۱- تهران - میدان فلسطین انتشارات - ستاد اقامه نماز

تلفن ۸۹۰۰۰۵۹

۲- دفاتر ستادهای اقامه نماز سراسر کشور

شابک: ۱- ۸۱- ۶۲۶۸- ۹۶۴

ISBN 964 - 6268 - 81 - 1